



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

جایگاه

فرض الحسنه

در اندیشه‌ی اسلامی و تفکر رضوی

نویسنده: مهدی آقابابایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جایگاه قرض الحسنه در اندیشه ی اسلامی و تفکر رضوی

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

نورالحیات

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	جایگاه قرض الحسنه در اندیشه ی اسلامی و تفکر رضوی
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست
۱۸	بخش اول : جایگاه قرض الحسنه در اندیشه اسلامی و تفکر رضوی
۱۸	اشاره
۲۰	واژگان کلیدی
۲۱	قرض در فرهنگ اسلامی
۲۱	قرض در مفهوم لغت
۲۳	قرض در اصطلاح حقوقی
۲۴	تاریخچه قرض الحسنه
۲۵	قرض در قرآن کریم
۲۶	تفسیر آیه قرض الحسنه
۲۷	پاداش قرض
۲۷	شرایط انفاق و قرض در راه خدا
۳۱	صدقه و قرض اختصاص به مردان ندارد
۳۲	مقصود از قرض دادن به خداوند
۳۴	محسنین یعنی قرض الحسنه
۳۴	قرض الحسنه معروف است:
۳۵	قرض الحسنه بر (نیکی) است.
۳۶	قرض الحسنه در کلام اهل بیت علیهم السلام
۳۶	مؤمن خود را مقروض نمی کند
۳۷	ثواب قرض دادن

۳۸	قرض الحسنه و صدقه
۳۹	قرض سنت جاودان
۳۹	حکم قرض دادن و گرفتن
۴۰	ثواب وام دادن و عقاب ترک آن
۴۱	چاره ای از پرداخت بدهی نیست
۴۲	مؤمن خیانت نمی کند.
۴۳	نپرداختن بدهی، خیانت و ظلم به همه است
۴۴	باید قصد پرداختن داشته باشد
۴۶	باید بدهکار عاجز را مهلت داد
۵۱	ثواب صدقه برای مهلت هر روز
۵۲	خداوند تلافی می فرماید
۵۳	از حسنات به طلبکار می دهند
۵۴	معاوضه به چقدر می شود؟
۵۵	شتاب کردن در ادای دین مستحب است
۵۶	با زکات می توان بدهی مقروضان را ادا کرد
۵۷	قرض الحسنه در سیره امام رضا علیه السلام
۵۷	۱- قرض الحسنه و آخرت
۵۷	اشاره
۵۷	وام گیرنده ی دزد
۵۸	۲- برخورد با بدهکار
۵۸	اشاره
۵۸	نتیجه ی قرض الحسنه
۵۸	۳- فلسفه ی تحریم ربا
۵۹	نتیجه گیری
۶۲	بخش دوم : راه کارهای احیای قرض الحسنه در جامعه اسلامی
۶۲	اشاره

۶۴	شخص های فرهنگ قرض الحسنه مطلوب
۶۸	شخص های قرض گیرنده مطلوب
۶۹	مفهوم و عناصر احیای فرهنگ قرض الحسنه
۶۹	مفهوم احیای فرهنگ قرض الحسنه
۶۹	عناصر اصلی احیای فرهنگ
۷۰	قابلیت های فرهنگ قرض الحسنه
۷۷	نتیجه گیری
۷۸	منابع و مآخذ
۸۳	آثار دیگر مؤلف که به چاپ رسیده است:
۸۵	درباره مرکز

جایگاه قرض الحسنه در اندیشه ی اسلامی و تفکر رضوی

مشخصات کتاب

جایگاه قرض الحسنه در اندیشه اسلامی و راه کارهای احیاء آن در جامعه

تحقیق و تالیف : مهدی آقابابایی

سرشناسه : آقابابایی، مهدی، 1362 -

عنوان و نام پدیدآور : جایگاه قرض الحسنه در اندیشه اسلامی و راه کارهای احیاء آن در جامعه/تحقیق و تالیف مهدی آقابابایی.

مشخصات نشر : اصفهان: نورالحيات، 1400.

مشخصات ظاهری : 74ص.

شابک : 978-622-94323-2-7

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : قرض الحسنه

Islamic loans*

قرض الحسنه -- احادیث

Loans, Islamic -- Hadiths*

قرض الحسنه -- جنبه های قرآنی

Loans, Islamic -- Qur'anic teaching*

رده بندی کنگره : BP192

رده بندی دیویی : 297/372

شماره کتابشناسی ملی : 8739003

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیا

ص: 1

اشاره

مشخصات کتاب :

نام کتاب : جایگاه قرض الحسنه در اندیشه اسلامی و راه کارهای احیاء آن در جامعه

تالیف : مهدی آقابابایی

ناشر : نورالحيات

چاپ اول : 1400 شمسی

شمارگان : 500 نسخه

قطع و صفحه : 74 صفحه رقی

شابک : 978-622-94323-2-7

قیمت : 250000 ریال

تلفن مرکز پخش : 09132671388

09135692430

ص: 2

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

بخش اول : 9...

جایگاه قرض الحسنه در اندیشه اسلامی و تفکر رضوی 9...

قرض در فرهنگ اسلامی 12...

قرض در مفهوم لغت 12...

قرض در اصلاح حقوقی 14...

تاریخچه قرض الحسنه 15...

قرض در قران کریم 16...

تفسیر آیه قرض الحسنه 17...

پاداش قرض 18...

شرایط انفاق و قرض در راه خدا 18...

صدقه و قرض اختصاص به مردان ندارد 22...

مقصود از قرض دادن به خداوند 23...

محسنین یعنی قرض الحسنه 25...

قرض الحسنه معروف است 25...

قرض الحسنه بر (نیکی) است 26...

قرض الحسنه در کلام اهل بیت علیهم السلام 27...

ص: 5

مومن خود را مقروض نمی کند... 27

ثواب قرض دادن... 28

قرض الحسنه و صدقه... 29

قرض سنت جاودان... 30

حکم قرض دادن و گرفتن... 30

ثواب وام دادن و عقاب ترک آن... 31

چاره ای از پرداخت بدهی نیست... 32

مومن خیانت نمی کند... 33

پرداختن بدهی خیانت و ظلم به همه است... 34

باید قصد پرداختن داشته باشد... 35

باید بدهکار عاجز را مهلت داد... 37

ثواب صدقه برای مهلت هر روز... 42

خداوند تلافی می فرماید... 43

از حسنات به طلبکار می دهند... 44

معاوضه به چقدر می شود؟... 45

شتاب کردن در ادای دین مستحب است... 46

با زکات میتوان بدهی مقروضان را ادا کرد... 47

قرض الحسنه در سیره امام رضا علیه السلام... 48

قرض الحسنه و آخرت... 48

وام گیرنده دزد... 48

برخورد با بدهکار... 49

نتيجة قرض الحسنه...49

فلسفه تحریم ربا...49

ص:6

بخش دوم : راه کارهای احیای قرض الحسنه در جامعه اسلامی ...53

شاخص های فرهنگ قرض الحسنه مطلوب ...55

شاخص های قرض الحسنه مطلوب ...57

شاخص های قرض گیرنده مطلوب ...59

مفهوم و عناصر احیای فرهنگ قرض الحسنه ...60

مفهوم احیای فرهنگ قرض الحسنه ...60

عناصر اصلی احیای فرهنگ ...60

قابلیت های فرهنگ قرض الحسنه ...61

نتیجه گیری ...68

منابع و ماخذ ...69

ص: 7

بخش اول : جایگاه قرض الحسنه در اندیشه اسلامی و تفکر رضوی

اشاره

ص: 9

یکی از سنت های حسنه و الهی قرض الحسنه می باشد. که در این مقاله درباره جایگاه قرض الحسنه در اندیشه ی اسلامی و سیرهای رضوی علیه السلام بحث نموده ایم؛ و برای روشن شدن این فریضه از فرهنگ لغت، قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام بهره های کامل را بردیم و در پایان هم قرض الحسنه را در سیرهای رضوی علیه السلام و روایاتی که از آن بزرگوار پیرامون قرض و قرض الحسنه بوده و فلسفه ی تحریم ربا بحث نموده ایم، و در کلمه ای حضرت در باره فلسفه تحریم ربا فرموده اند: ربا باعث می شود که قرض الحسنه و اعمال نیک در جامعه از بین برود؛ و اینک مطالب را تقدیم به دوستداران سنت حسنه می نمایم.

واژگان کلیدی

قرض الحسنه، ربا، وام، قرض، روایات، آیات و ...

مقدمه:

قرض الحسنه سنت اسلام است که اقتصاد را در خدمت عقیده می گیرد.

قرض الحسنه، تجلی حاکمیت ارزش های اخلاقی و مبانی عقیدتی بر سودجویی های اقتصادی است.

قرض الحسنه، نوعی ایثار است و ربا یکی از انواع پلید استثمار.

قرض الحسنه، همان اندازه ارزشمند است که ربا ضد ارزش است.

قرض الحسنه، وام دادن به خداست و کدام مؤمن است که از وام دادن به خدا احساس تردید یا پشیمانی نماید؟

سوء استفاده از این سنت اصیل قرآنی هرگز نمی تواند بهانه ای برای گریز و احیاناً برخورد با این مستحب قطعی اسلام باشد.

بیاییم در پرتو انوار قرآن و معصومین علیهم السلام زندگی را از معنویت و ایثار سرشار سازیم و این سنت مذهبی را بار دیگر در جامعه ی بزرگ اسلامی با اهداف و شیوه های خداپسندانه آن؛ احیاء نماییم.

ص: 11

قرض، جزیی از ارکان يك نظام اقتصادی است که دارای نتایجی اجتماعی می باشد و در قرآن و روایات به اهمیت آن تاکید فراوانی شده است.

نظام ربوی يك نظام اقتصادی است که درست در مقابل قرض الحسنه جای دارد. اگر هدف نظام ربوی را بخواهیم در يك جمله خلاصه کنیم، عبارت است از: افزایش سود و سرمایه و ایجاد روحیه ی تکاثر و ظلم و زور.

اما قرض نتایجی، چون زنده کردن روح عطوفت در جامعه و ایجاد قسط و عدالت دارد. مختصر اینکه ربا بر ظلم و تعدی و جمع کردن مال بنا شده و قرض بر ایثار و احسان و مردممداری استوار گشته است.

از این رو قرض، ربا را از صحنه ی اقتصادی بیرون می کند. در قرآن ربا نظام زشت و منکر اقتصادی شمرده شده است و به قرض توصیه و تاکید شده و این دو قابل جمع نیستند به این صورت که بر سیستم اقتصادی هم نظام ربوی حاکم باشد و هم نظام قرض الحسنه و میانشان نهایت تضاد و افتراق می باشد.

قرض در مفهوم لغت

«قرض» واژه ای است عربی که معادل فارسی آن «وام» است، این کلمه در اصل به معنی قطع کردن و بریدن است.

قرض: نوعی است از بریدن، قطع مکان و گذشتن از آن را قطع مکان و قرض مکان گویند. (1)

ص: 12

«وَ إِذَا عَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَ هُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ» (1) چون آفتاب غروب می کرد از آن ها به طرف شمال متمایل می شد و آن ها در کهف در وسعت بودند. طبرسی فرموده: اصل آن بریدن با دندان است و وام را قرض گویند که شخص جزئی از مال خود را قطع کرده به دیگری می دهد به نیت اینکه خود مال یا بدل آن را بعداً بدهند.

اقراض به معنی قرض دادن است: «إِنْ تَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ...» (2) ماده اقرض در قرآن همه جا در باره قرض دادن به خدا آمده و همه با وصف «حَسَنًا» مقید شده است انفاق در راه خدا قرض دادن به خدا خوانده شده که آن از طرف خدا برگردانده خواهد شد و اشاره به حتمی بودن مزد آن است.

قید «حسن» ظاهراً مفید آن است که انفاق از مال پاك و با نیت پاك و با قصد قربت باشد و بعداً پشیمان نگردد و با منت و اذیت بعدی توأم نباشد به نظرم جمله «لَا يَنْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَى... يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (3) بیان «حسن» است.

می شود گفت همه اعمال نیک اعم از بدنی و مالی قرض الحسنه اند که آن ها به خدا تحویل می-شوند و خدا در مقابل پاداش خواهد داد آیه

ص: 13

1-1. کهف/ 17.

2-2. تعابن/ 17.

3-3. بقره/ 262 و 265.

أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ... (1)

دلیل آن است و اگر نه ایفاء زکوة داخل در قرض الحسنه می باشد.

در قرآن مجید قرض به معنی «وام» متداول بکار نرفته بلکه همه در عمل نیک و یک جا در معنی تجاوز استعمال شده که در اول ذکر شد.

(2)

قرض در اصطلاح حقوقی

در قانون مدنی ایران ماده ی 648 ضمن استعمال واژه ی قرض از آن چنین تعریف شده است:

«قرض عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می کند که طرف مزبور، مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم الرد را بدهد». (3) در این ماده قانون هم به قرض و هم قیمی و هم قرض با کالا و هم با نقد و پول اشاره شده است.

ص: 14

1-4. مزمل / 20.

2-5. قاموس قرآن / ج 5 / ص 306-307.

3-6. حقوق مدنی، طاهری / ج 4 / ص 33، حقوق مدنی، امامی، ج 2 / ص 193، فقه استدلالی / ص 306.

«قرض الحسنه» جزئی از ارکان نظام اقتصادی اسلام است و در مقابل آن رباخواری قرار دارد. در دوران جاهلیت قرض در میان مردم متداول بوده است.

ولی فردی که به دیگری قرض می داد، معمولاً از بدهکار بیش از آنچه به او داده بود طلب می نمود و یا این که از او هدیه ای گرفته و یا بدهکار را برده و بنده خود دانسته و یا بر او منت می نهاد. در این شرایط اسلام با آوردن واژه «حَسَنَه» آن سیستم غلط را که ارمغانی برای جامعه جز افزایش سود و سرمایه رباخواران و بدبختی سایر اقشار جامعه به همراه نداشت ردّ نمود و با تشویق مردم به دادن وام بدون بهره روح عطف و برادری و عدل را در مسلمانان زنده نمود. باید توجه داشت که در اقتصاد اسلامی که هدف آن اجرای عدالت اجتماعی است باید همه فرمول ها و داروهایی که برای شفای جامعه اسلامی تجویز شده به کار گرفته شود تا نتیجه مورد نظر بدست آید. در نتیجه «قرض الحسنه» هنگامی می تواند کار آبی کامل و نتیجه عالی داشته باشد که دیگر اصول اقتصادی اسلام چون تولید، کار، ایثار، تعاون و همیاری و پرداخت واجبات مالی چون زکات و خمس نیز در کنار آن قرار گیرد. (1)

در تاریخ اسلام، رسول اکرم صلی الله علیه و آله بنیان گذار اولین صندوق امانت بودند، ایشان از زمانی که در مکه زندگی می کردند مورد اعتماد و امانت مردم بودند و امانت مردم را برای آن ها نگه داری می کردند و از این جهت «محمد امین» لقب یافته بودند و آن گاه که به دستور خداوند عازم مدینه

ص: 15

شدند، چون خود فرصت رساندن امانت های مردم را نداشتند، حضرت علی علیه السلام را مأمور برگرداندن امانت های مردم کردند. (1)

در کشور ایران، اولین صندوق قرض الحسنه به صورت امروزی آن، در سال 1348 شمسی در مسجد قدیمی لرزاده تهران به نام «صندوق قرض الحسنه ذخیره جاوید» تأسیس شد و به تدریج صندوق های دیگری در نقاط مختلف کشور به ویژه در شهرهای مذهبی به وجود آمد. به طوری که تا پایان سال 1365 شمسی، تعداد کل صندوق های قرض الحسنه موجود در کشور به حدود 2200 واحد بالغ می شد. (2)

قرض در قرآن کریم

در قرآن کریم، قرض در ردیف مسائلی چون صدقه، انفاق، زکات و نماز آمد، و این حاکی از اهمیت آن است. همان طور که نماز با تعالی روح و رشد عبودیت، موجب ارتباط با مبدأ هستی است و به جا آوردن آن موجب دوری از مفسد اخلاقی و اجتماعی می گردد، قرض و صدقه و انفاق و زکات هم موجب تقرب به خداوند عالم می شود. در سوره توبه آیه 103 خداوند می فرماید: ای پیامبر! از مؤمنان زکات بستان که مال و جان آنان پاک گردد. همچنین صدقه و زکات و انفاق، چه واجب و چه مستحب؛ تعالی بخش روح و اوج ارتباط انسان با خداوند است و علاوه بر این در جامعه تعدیل ثروت و توازن اجتماعی را به بار می آورد. (3)

ص: 16

1- 8. تاریخ پیامبر اسلام/ ابراهیم آیتی/ ص 226.

2- 9. برگرفته از کتاب: پول، بانک، صرافی، محمد حسین ابراهیمی، فصل پنجم تعریف و شناخت «بانک».

3- 10. قرض الحسنه/ ص 23.

اگر روزی بشر به مرحله ای از رفاه اقتصادی برسد، باز هم برای این منظور قرض و صدقات و خمش و زکات لازم است.

بحث از قرض در قرآن در 5 سوره آمده است: بقره، مائده، تغابن، مزمل و حدید؛ و در مجموع در دوازده آیه بحث از قرض شده و در همه موارد «قرضاً حسناً» آمده است.

تفسیر آیه قرض الحسنه

این آیه با لحنی بسیار زیبا و احساس برانگیزی مردم را به کمک کردن به یکدیگر دعوت می کند و به آنان تذکر می دهد که وقتی کسی از مال خود انفاق می کند و مال خود را در اختیار نیازمندان می گذارد، به منزله ی این است که به خدا قرض داده باشد، روشن است که خدا نیازی به قرض ندارد و او بی نیاز مطلق است ولی با این تعبیر بندگان خود را به کمک کردن به یکدیگر تشویق می کند و می خواهد آن ها بدانند که این کار نیک آن ها بدون پاداش نیست و همان گونه که وقتی کسی به کسی قرض بدهد، بدهکار در موقع خود بدهی را خواهد پرداخت در اینجا نیز خداوند خود را بدهکار چنین افرادی فرض می کند آن هم به این صورت که موقع پرداخت بدهی، آن را چندین برابر خواهد داد و کسی که به دیگران احسان می کند پاداش عمل خود را چند برابر مقابل آن خواهد یافت. در پایان آیه يك مطلب مهم را بیان می کند و می فرماید: این خداست که روزی کسی را می بندد و یا می گشاید. البته می دانیم آن خود از روی ضوابط و معیارهایی است که بعضی از آن ها را می دانیم و از جمله ی آن هاست کار کردن و تلاش برای کسی درآمد بیشتر که در غالب وارد باعث

فراوانی روزی می شود. تبلی و سستی و کم کاری باعث تنگدستی می شود ولی جز این ها ضابطه ها و معیارها و عوامل دیگر هم وجود دارد که ما از آن ها بی خبریم ولی به هر حال تنگی و گشادی روزی در دست خداست و همه به سوی او بر می گردند. (1)

پاداش قرض

دو آیه از آیات قرض در سوره حدید

آیه 11: « مِنْ ذَٰلِكَ يُقْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ».

کیست آن کس که به صورتی نیکو به خداوند قرض (وام) بدهد، تا آن را برای او دو چندان کند و مزدی نیکو (کریمانه) بهره ی او شود.

شرایط انفاق و قرض در راه خدا

در آیه یازدهم تعبیر از همه حساس تر است : خدا را وام گیرنده، و انسان ها را وام دهنده می شمرد، وامی که مسئله تحریم ربا در آن راه ندارد و چندین برابر تا هزاران برابر در مقابل آن پرداخته می شود، اضافه بر پاداش عظیمی که در هیچ اندیشه ای نمی گنجد!

این ها همه برای این است که بینش های انحرافی و انگیزه های حرص و آز و حسد و خودخواهی و طول امل را که مانع از انفاق است از میان ببرد، و جامعه ای بر اساس پیوندهای عاطفی و روح اجتماعی و تعاون عمیق بسازد.

ص: 18

تعبیر به (قَرْضًا حُسْنًا) در آیه فوق اشاره ای به این حقیقت است که وام دادن خ-ود ان-واع و اقسامی دارد که بعضی را (وام نیکو) و بعضی را وام کم ارزش و یا حتی بی ارزش می توان شمرد.

قرآن مجید شرائط وام نیکو را در برابر خداوند یا به تعبیر دیگر (انفاق ارزشمند) را در آیات مختلف بیان کرده است، و بعضی از مفسران از جمع آوری آن ده شرط استفاده کرده اند.

1 - از بهترین قسمت مال انتخاب شود نه از اموال کم ارزش « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ »: (ای کسانی که ایمان آورده اید از اموال پاکیزه ای که به دست آورده اید، یا از زمین برای شما خارج ساخته ایم انفاق کنید، و به سراغ قسمت های ناپاک برای انفاق نروید در حالی که خودتان حاضر نیستید آن ها را بپذیرید مگر از روی اغماض، و بدانید خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است) (1)

2 - از اموالی که مورد نیاز انسان است باشد، چنانکه می فرماید « وَ يُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ »: (آن ها دیگران را بر خود مقدم می دارند هر چند شخصاً شدیداً نیازمند باشند). (2)

ص: 19

1-12. بقره/267.

2-13. حشر/9.

3 - به کسانی انفاق کند که سخت به آن نیازمندند و اولویت ها را در نظر گیرد « لِفَقْرَاءِ الَّذِينَ أَحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ » : (انفاق شما) مخصوصاً برای نیازمندی باشد که در راه خدا در محاصره قرار گرفته اند. (1)

4 - انفاق اگر مکتوم باشد بهتر است : « وَ أَنْ تُخْفَوْهَا وَ تُؤْتَوْهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ » : (هرگاه آن ها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید برای شما بهتر است) (2)

5 - هرگز منت و آزاری با آن همراه نباشد « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى » : (ای کسانی که ایمان آورده اید انفاق های خود را با منت و آزار باطل نکنید) (3)

6 - انفاق باید توأم با اخلاص و خلوص نیت باشد « يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ » : (کسانی که اموالشان را برای جلب خشنودی خداوند انفاق می کنند) (4)

7 - آنچه را انفاق می کند کوچک و کم اهمیت بشمرد هر چند ظاهراً بزرگ باشد: « وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْبِرُ » : (به هنگام انفاق منت مگذار و آن را بزرگ مشمر) (5)

ص: 20

1- 14. بقره/ 273.

2- 15. بقره/ 271.

3- 16. بقره/ 264.

4- 17. بقره/ 265.

5- 18. مدثر/ 6.

8 - از اموالی باشد که به آن دل بسته است و مورد علاقه او است « لَنْ تَسْأَلُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ » : (هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید) (1)

9 - هرگز خود را مالک حقیقی تصور نکند، بلکه خود را واسطه ای میان خالق و خلق بداند: « وَ أَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسَدِّدِينَ فِيهِ » : (انفاق کنید از آنچه خداوند شما را نماینده خود در آن قرار داده است) (2)

10 - و قبل از هر چیز باید انفاق از اموال حلال باشد، چرا که خداوند فقط آن را می پذیرد: « أَنْتُمْ لَا تَقْبَلُونَ مِنَ الْمُنْفِقِينَ شَيْئًا » (خداوند تنها از پرهیزگاران قبول می کند) (3)

و در حدیث آمده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: « لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَدَقَةً مِنْ غُلُولٍ » (خداوند هیچ گاه انفاقی را که از طریق خیانت است نمی پذیرد).

آنچه گفته شد در واقع قسمت مهمی از اوصاف و شرایط لازم است، ولی منحصر به این ها نیست، و با دقت و تأمل در آیات و روایات اسلامی به شرایط دیگری نیز می توان دست یافت.

ضمناً آنچه گفته شد بعضی از شرایط (واجب) محسوب می شود (مانند عدم منت و آزار و تظاهر) و بعضی از شرایط کمال است (مانند ایثار به نفس در موقع حاجت خویشتن) که عدم وجود آن ارزش انفاق را از میان نمی برد هر چند در سطح اعلا قرار ندارد.

ص: 21

1- 19. آل عمران/ 92.

2- 20. حدید/ 7.

3- 21. مائده/ 27.

و نیز آنچه گفته شد گرچه در مورد انفاق (وام به خداوند) بود، ولی بسیاری از آن ها در مورد وام های معمولی نیز صادق است، و به اصطلاح از شرائط لازم، یا شرط کمال (قرض الحسنه) می باشد. (1)

صدقه و قرض اختصاص به مردان ندارد

آیه 18: « إِنَّ الْمُسَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ».

خداوند به مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده ای که به خدا قرض الحسنه می دهند، نام برده شده که بیانگر تساوی مرد و زن در اجر اخروی این امر معنوی اجتماعی است.

این دو آیه از سوره حدید را که مورد توجه قرار دادیم. آیه ی قبل و آیه 12 که مربوط به انفاق است، بیانگر اصلی کلی در سیستم اقتصادی است؛ یعنی اگر در جامعه ای به این سه موضوع (انفاق، صدقه و قرض) عمل شود، فاصله ی اقتصادی بین ثروتمندان و فقرا خصوصاً در معرف تا حدودی از بین می رود و تعادل و توازن اجتماعی به وجود می آید و جامعه از طهارت معنوی برخوردار می شود. بدیهی است که این سه موضوع نیز قابل جمع است، چون هر کسی - چه زن باشد چه مرد هم می تواند انفاق کند، هم صدقه و هم قرض و زکات بدهد. چه خوب است، همان طور که صندوق هایی تحت عنوان قرض الحسنه برای قرض تاسیس شده می شود، برای صدقه و انفاق هم صندوق هایی تاسیس گردد تا به صورت رسمی به این مهم همت گمارده شود.

ص: 22

وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (1)

خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت؛ و از آن ها، دوازده نقیب [سرپرست] برانگیختیم؛ و خداوند (به آن ها) گفت: «من با شما هستم! اگر نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و به رسولان من ایمان بیاورید و آن ها را یاری کنید، و به خدا قرض الحسنه بدهید [در راه او، به نیازمندان کمک کنید]، گناهان شما را می پوشانم [می بخشم]؛ و شما را در باغ هایی از بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می کنم. اما هر کس از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف گردیده است.

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ. (2)

اگر به خدا قرض-الحسنه دهید، آن را برای شما مضاعف می سازد و شما را می بخشد؛ و خداوند شکر کننده و بردبار است!

مقصود از قرض دادن به خداوند

دو احتمال در این باره متصور است:

1- خداوند خود را به جای محتاج و فقیر قرار داده و کسی که به نیازمندی قرض دهد، مثل این است که به خدا قرض داده است. البته خداوند می تواند فقیر را غنی کند، ولی همه ی امور طبق مشیت خداوند،

ص: 23

1- 23. مائده/ 12.

2- 24. تغابن/ 17

واسطه و وسیله می خواهد و در اینجا اغنیاء را وسیله قرار داده تا آنان را بیازماید و موجبات کمال معنوی آنان را فراهم آورد.

2- منظور از قرض دادن به خداوند قرض دادن به پیامبر و امام معصوم و پیشوایان مسلمانان است. به این بیان که مال خداوند به مصداق آیه ی خمس «فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلَّهِ الرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ» (1)؛ خمس مال خدا و رسول و ذی القرباست» از آن رسول می باشد و در اینجا هم قرض به خدا قرض به خلیفه ی خداوند است که پیامبر است و بعد از آن حضرت، امام معصوم و در زمان غیبت نائب امام.

روایت معروف که قرض حسن یعنی صله به امام است آورده شود.

ثواب قرض دادن چند برابر است؟

در روایات آمده است که ثواب قرض دادن 18 برابر است، اما اگر قرض را یکی از مصادیق انفاق بدانیم ثواب آن به هفتصد برابر و حتی بیشتر از آن می رسد.

خداوند در قرآن می فرماید:

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه، یک صد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می کند؛ و خدا (از نظر قدرت و رحمت)، وسیع، و (به همه چیز) داناست.

ص: 24

محسنين يعنى قرض الحسنه

«إِنَّا نَزَّلْنَا مِنَ الْمُحْسِنِينَ (1) ما تورا از نیکوکاران قرار دادیم.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی شریفه فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای کسی که وارد مجلس می شد جای می داد و برای محتاج وام تهیه می کرد و از ضعفا طرفداری می نمود. (2)

قرض الحسنه معروف است:

خداوند در قرآن می فرماید:

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ... (3)

در بسیاری از سخنان درگوشی (و جلسات محرمانه) آن ها، خیر و سودی نیست؛ مگر کسی که (به این وسیله)، امر به کمک به دیگران، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم کند.

در این آیه سه موضوع در کنار هم آمده است: صدقه، معروف و اصلاح میان مردم.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که مقصود از معروف در این آیه چیست؟ حضرت فرمودند: منظور قرض الحسنه است. (4)

بنابراین قرض الحسنه خود مصداقی از معروف در لغت؛ یعنی، آنچه شناخته شده باشد و در مقابلش، آن چیزی است که شناخته نشده باشد.

ص: 25

1- 25. یوسف/36.

2- 26. مشکاه الانوار/ ترجمه عطاردی/ ص 199.

3- 27. نساء/114.

4- 28. المیزان/ ج 5/ ص 94، من لایحضره الفقیه/ ترجمه غفاری/ ج 2/ ص 364.

به بیان دیگر معروف، آن چیزی است که عقل و شرع به خوب بودن آن قضاوت کنند و چون قرض الحسنه موضوعی است که عقل آن را تحسین می کند لذا «معروف» نامیده شده است.

افزون بر آیه ی فوق، حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت می فرماید: «**أَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الرَّبَّاءَ لِكَيْلَا يَمْتَنِعَ النَّاسُ مِنْ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ**» (1) خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از عمل به «معروف» محروم نشوند.

و در پایان به فلسفه-ی ربا از لسان امام رضا علیه السلام اشاره می نمایم.

با توجه به اینکه آنچه در مقابل ربا قرار دارد قرض الحسنه است، در این حدیث از قرض به عنوان معروف نام برده شده است.

قرض الحسنه بر (نیکی) است.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (2)

ترجمه: در نیکوکاری و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است!

بر شامل همه نیکی هایی است که عقل و شرع آن را تایید می کند. اثم هم شامل همه ی بدی هایی است که عقل و شرع، آن را ناپسند می شمارد.

ص: 26

1-29. وسائل الشیعه/ج 12/ص 423.

2-30. مانده/2.

قرض الحسنه مصداقی از بر و ربا هم که در مقابل قرض الحسنه است، مصداق اثم است و در قرآن هم از رباخواران به نام «کفار اثم» یاد شده است.

بنابراین قرض الحسنه مصداقی از بر است که در قرآن به آن دستور می دهد و ربا مصداقی از اثم است که خداوند از آن نهی می کند. (1)

نسبت بین عنوان برّ و قرض الحسنه در قرآن، از لحاظ منطقی «عموم و خصوص مطلق» است، زیرا هر قرض الحسنه ای برّ است؛ اما هر برّی قرض الحسنه نیست.

قرض الحسنه در کلام اهل بیت علیهم السلام

مؤمن خود را مقروض نمی کند

قرض خواستن بدون نیاز و اضطرار خلاف منش و شخصیت انسانی است و در روایات اسلامی قرض بدون حاجت مکروه دانسته شده است و اساساً هر فرد مؤمنی باید بکوشد تا خود را مقروض نکند، چه اینکه فردی که مقروض می شود، خود را در مقابل طلبکار کوچک می بیند و احساس سرافکنندگی می کند و این، دور از کرامت ذاتی انسان است که خداوند به او داده و انسان را گرامی داشته است، مضافاً اینکه فرد مقروض، آسایش روحی و تمرکز فکر خود را از دست می دهد و چه بسا از انجام کارهای مثبت و مفید که نیازمند آرامش روحی است، باز ماند.

در قرآن مجید و احادیث متعددی که در دست داریم برای ادای قرض، ثواب زیادی بیان شده، اما از سوی دیگر، دریافت قرض، خاصه بدون نیاز

ص: 27

مورد مذمت قرار گرفته است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که آن حضرت می فرماید: « ایاکم وَ الدَّيْنَ فَانه شَدَّيْنُ الدَّيْنِ » (1)

پرهیزید از مدیون شدن که آن موجب خواری دین می شود. همچنین از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است: « ایاکم وَ الدَّيْنَ فَانه مذله بِالنَّهَارِ وَ مُهَمَّه بِاللَّيْلِ »؛ (2) پرهیزید از اینکه خود را مدیون سازید که آن موجب ذلت روز و غم شب است.».

نتیجه طبیعی قرض گرفتن است بنابراین تا انسان تا ناچار نباشد بهتر است که قرض نگیرد.

ثواب قرض دادن

امام صادق علیه السلام نقل می نماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که به مؤمنی قرض دهد و منتظر بماند تا پرداخت قرض برای او امکان پذیر شود، مال او پاکیزه می ماند و تا زمانی که قرض را برگرداند، فرشتگان بر او درود می فرستند» (3)

امام صادق علیه السلام فرمودند: هیچ مسلمانی به خاطر خدا به مسلمان دیگر قرض نمی دهد، مگر اینکه زمانی که مالش باز گردد، خداوند پاداش او را همانند پاداش صدقه حساب می نماید. (4)

ص: 28

1-32. وسائل الشیعه/ج 13/ص 77.

2-33. وسائل الشیعه/ج 13/ص 77.

3-34. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه بندر ریگی/ص 297.

4-35. همان.

امام صادق علیه السلام فرمودند: ثواب قرض هجده برابر است و اگر بمیرد آن مال جزء زکات حساب خواهد شد.

راوی گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمودند: بیشتر دوست دارم قرض بدهم از اینکه همانند آن را ببخشم؛ و نیز فرمودند: کسی که قرض مدت دار بدهد و سر وقت قرض پرداخت نشود، هر روزی که از آن وقت می گذرد، ثوابی همچون ثواب يك دينار صدقه در هر روزی برای او خواهد بود. (1)

امام صادق علیه السلام نقل می نماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بیشتر دوست دارم هزار درهم را دو بار قرض دهم تا اینکه يك بار صدقه بدهم و همان طور که حلال نیست بدهکارت با قرض توانایی، پرداخت مالت را به تأخیر بیندازد، اگر می دانی توانایی ندارد، جایز نیست او را در فشار قرض دهی. (2)

قرض الحسنه و صدقه

عن عبدالله بن مسعود رضی الله عنه ان النبی صلی الله علیه و آله قال: کل قرض صدقه.

عبدالله بن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: هر قرضی پیش خدا، صدقه محسوب می شود. (3)

ص: 29

1-36. همان.

2-37. همان.

3-38. نهج الفصاحه/ص 611.

فی خبر طویل عن الصادق علیه السلام: « أَمَّا الْوُجُوهُ الْأَرْبَعُ فَقَضَاءُ الدَّيْنِ ، وَ الْعَارِيَةِ ، وَ الْقَرْضِ وَ أَقْرَاءِ الضَّيْفِ وَاجِبَاتٌ فِي السَّنَةِ » (1)

امام صادق علیه السلام در روایتی طولانی و مفصل فرمود: اما انواع چهارگانه خبر عبارتند از:

1- پرداخت بدهی؛ 2- عاریه دادن؛ 3- قرض دادن؛ 4- مهمانی دادن؛

که این ها در سنت واجب است.

حکم قرض دادن و گرفتن

در روایات معتبره برای وام گرفتن ثواب های بسیار وعده داده شده، چنانچه در ترك آن هم عذاب های شدید ذکر گردیده و در بعضی موارد وام دادن واجب و ترك آن حرام و در پاره ای موارد قرض دادن مستحب و ترك آن مکروه است. ولی قرض گرفتن مکروه است در صورتی که احتیاج به گرفتن قرض نداشته باشد؛ و هرگاه محتاج به گرفتن قرض شود کراهت آن خفیف می شود و شدت و کمی کراهت تابع شدت و کمی احتیاج است. پس هر اندازه احتیاج کمتر باشد، کراهت قرض خواستن بیشتر می شود و هر اندازه احتیاج به قرض بیشتر شود، کراهت آن کمتر می گردد تا جایی که هیچ کراهت ندارد بلکه گاهی واجب می شود قرض بگیرند به اینکه امر واجبی مثل حفظ جان یا عرض بسته به وام گرفتن باشد.

کسی که زمینه ی ادای دین ندارد، احتیاط آن است که قرض نگیرد و خود را مدیون نسازد مگر در صورت ضرورت.

ص: 30

ثواب وام دادن و عقاب ترك آن

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: کسی که به مؤمنی وام دهد و او را تا هنگام توانائی اش مهلت دهد، برای مالی که به وام داده، ثواب زکات برایش خواهد بود و ملائکه برایش دعا و طلب رحمت می نمایند تا هنگامی که طلب خود را دریافت نماید. (1)

و نیز فرمود: کسی که وام دهد به برادر مسلمان خود، از برای او است به هر دره‌می که به قرض داده، هم وزن کوه احد از کوه های مکه معظمه و طور سینا، حسنات و اگر در مطالبه نمودن طلب خود از بدهکار، با او رفق و مدارا نماید، مانند برق جهنده روشن از صراط بگذرد بدون عذاب و معطلی حساب و کسی که برادر مسلمانش حال خودش را نزد او شکایت کند، پس به او وام ندهد، خداوند بهشت را بر او حرام می فرماید در روزی که به نیکوکاران پاداش می دهد. (2)

ص: 31

1- 40. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص 138؛ وسائل الشیعه/ باب 6/ ج 18/ ص 330 ح 23785؛ بحار الانوار/ ج 100/ ص 139، باب 1، ثواب القرض.

2- 41. بحار الانوار/ ج 73/ ص 369، باب 67؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص 289؛ وسائل الشیعه/ باب 6/ ج 18/ ص 331.

چاره ای از پرداخت بدهی نیست

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: کسی که مسامحه کند و از رساندن حق به صاحبش درنگ نماید در حالی که توانایی دارد، هر روزی که می گذرد گناه عشاری بر او است. (عشار کسی است که به امر ظالم از مردم ده يك می گیرد). (1)

حضرت امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: کسی که در راه خدا شهید شد از هر گناهی پاک می شود مگر بدهی که کفاره ندارد، یا باید دینش پرداخت شود یا طلبکار ببخشد وگرنه شهید هم گرفتار بدهی اش هست. (2)

و نیز می فرماید: نخستین قطره خونی که از شهید ریخته می شود، تلافی تمام گناهانش می شود مگر بدهی که علاجش منحصر به پرداختن می باشد. (3)

و برای اهمیت مطلب همین بس که مردی از انصار مُرد و دو دینار بدهکار بود، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله بر او نماز نخواند تا اینکه بعضی از بستگانش ضامن شدند که بدهی او را پردازند، آنگاه حضرت بر او نماز گذارد. (4)

ص: 32

1- 42. وسائل الشیعه/کتاب التجاره، ابواب الدین، باب 8/ج 18/ ص 333؛ بحارالانوار/ج 100/ص 146، باب 3؛ جامع احادیث الشیعه/ج 3/ص 23، باب 9/ص 718.

2- 43. وسائل الشیعه/باب 4/ج 18/ ص 324، باب 4؛ بحارالانوار/ج 97/ ص 10/ باب 1؛ حدائق الناظره، کتاب الدین/ج 20/ص 102، کتاب الدین.

3- 44. من لا یحضره الفقیه/ج 3/ص 183 باب الدین و القرض/ح 3688؛ جامع احادیث الشیعه/ج 23/ص 706/باب 7.

4- 45. الکافی/ج 5/ص 93، باب الدین؛ من لا یحضره الفقیه/ج 3/ص 182، باب الدین و القرض؛ مرآت العقول/ج 14/ص 43/ح

1.

مروری است که معاویه بن وهب، این حدیث را بر حضرت صادق علیه السلام عرضه داشت فرمود: درست است و جز این نیست که رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین فرمود، برای آنکه مسلمانان اندرز بگیرند و اهمیت دین را بدانند و آن را کوچک نشمرده و به صاحبش رد کنند و گر نه هر يك از رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام زمانی که از دنیا رفتند، مدیون بوده و به ادای دین خود وصیت فرمودند و پس از فوت هر يك وصی او دینش را اداء کرد. (1)

و خلاصه معنی حدیث آن است مدیون بودن مذموم نیست و جایز است. چیزی که حرام است مسامحه کردن در ادای دین می باشد.

مؤمن خیانت نمی کند.

خیانت مانند دزدی صورت های متفاوتی دارد. يك مورد آن این خواهد بود که فردی از دیگری پولی قرض کند، ولی آن را به موقع نپردازد و بدهی خود را در بوته ی فراموشی اندازد.

ابو ثمامه به امام جواد علیه السلام عرض کرد: می خواهم مجاور مکه و مدینه منوره بگردم در حال که بدهکارم. حضرت فرمود: به محل خود برگردد تا بدهیت را بپردازی و مبادا از دنیا بروی و خدای را ملاقات کنی در حالی که بدهکار باشی زیرا مؤمن خیانت نمی کند. (2) و اگر بتوانی بدهی ات را پرداخت کنی و نپردازی و به زیارت

ص: 33

1- 46. گناهان کبیره/ج 2/ص 15؛ کافی/ج 5/ص 93، باب الدین.

2- 47. کافی/ج 5/ص 94، باب الدین.

بروی، يك نوع خیانت است و مؤمن خیانت نمی کند... (فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَخُونُ) (1)

نپرداختن بدهی، خیانت و ظلم به همه است

از این حدیث شریف معلوم می شود که حبس حقوق و مسامحه در ادای دین، خیانت است؛ و در حدیث نبوی آن را از مصادیق ظلم شمرده و می فرماید: مسامحه کردن مسلمانی که بر پرداخت بدهی اش توانایی دارد ظلمی است نسبت به مسلمین (2)

ظلم بودنش نسبت به شخص طلبکار ظاهر است، ولی نسبت به سایر مسلمانان شاید از این جهت باشد که سبب می شود دیگران به مسلمانان قرض ندهند، از ترس اینکه مبادا مثل این شخص در پرداخت بدهی سهل انگاری کنند یا مالش تلف شود و به تعبیر دیگر مسامحه کردند در پرداخت دین با توانایی، باب خیر و معروف را سد می کند که از این به بعد کسی جرات نکند به دیگری قرض بدهد. در حالی که از بزرگ ترین خیرات است و سبب جلوگیری همین شخص شده است.

حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: «خدا لعنت کند برندگان راه خیر را؛ و آن کسی است که دیگری به او احسانی بکند و خیری برساند، پس او

ص: 34

1-48. وسائل الشیعه/ج 18/ص 325/باب 4؛ علل الشرایع/ج 2/ص 528، باب 312؛ من لا یحضره الفقیه/ج 3/ص 183.

2-49. وسائل الشیعه/ابواب الدین/ج 18/ص 343/باب 11؛ تهذیب الاحکام/ج 6/ص 226، باب 88.

کفرانش کند و این امر سبب شود که آن شخص دیگر به کسی احسان ننماید» (1)

و ظاهر است که قرض دادن احسان است و مسامحه کردن در پرداخت آن کفران و سبب می شود که دیگر آن شخص چنین احسانی به کسی نکند.

باید قصد پرداختن داشته باشد

در دنیای امروز دزدی به صورت های مختلف انجام می گیرد: عده ای سرگردنه دزدی می کنند، شاید بتوان گفت که این دزدی، شجاعانه است. عده ای نیز پشت میز اداره با کم کاری و کار شکنی دزدی می کنند که می توان گفت: این نوع دزدی رذیلت-هاست. همچنین عده ای قرض می گیرند، به شرط آنکه به موقع آن را بپردازند، ولی اهمیتی به پرداخت آن نمی دهند. این دزدی نیز خائنه است.

امام صادق علیه السلام فرموده اند: « مَنْ اسْتَدَانَ دَيْنًا فَلَمْ يَنْوِ قَضَاءَهُ كَانَ بِمَنْزِلِهِ السَّارِقِ »؛ کسی که قرض کند و قصدش این باشد که آن را نپردازد، همچون دزد خواهد بود» (2)

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

ص: 35

-
- 1-50. گناهان کبیره/ج 2/ص 16، وسائل الشیعه/ج 16/ص 309، باب 8، مستدرک الوسائل/ج 12/ص 359، باب 18؛ من لا یحضره الفقیه/ج 2/ص 58، باب فضل المعروف.
- 2-51. الخصال/ج 1/ص 153؛ الکافی/ج 5/ص 99؛ روضه الواعظین/ج 2/ص 357؛ مجموعه ورام(تنبيه الخواطر) /ج 2/ص 227؛ الوافی/ج 18/ص 787.

« أَيُّمَا رَجُلٍ أَتَى رَجُلًا فَأَسَدَ تَقْرَضَ مِنْهُ مَالًا وَفِي نَيْتِهِ أَنْ لَا يُوَدِيَهُ فَذَلِكَ اللَّصُّ الْعَادِي؛ اگر شخصی از دیگری مالی قرض کند و نیت و قلبش این باشد که آن را نپردازد، يك نوع دزدی آشکار است». (1)

بدهکاری که از پرداخت بدهی ناتوان است باید در قصدش باشد که در نخستین زمانی که توانایی پرداخت پیدا کرد، مسامحه نکند بلکه چنین نیتی را باید از همان ابتدا داشته باشد که اگر هنگام قرض گرفتن بخواهد ادای دین نکند تصرف کردنش در آن مال، از همان اول حرام است.

حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: کسی که قرض بگیرد و بخواهد که ندهد، دزدی است ستمگر. (2)

و نیز می فرماید: دزدها سه دسته اند: کسی که زکات مالش را ندهد، و کسی که مهریه ی زنش را بدهی واجب الاداء نداند و کسی که قرض بگیرد در بخواهد که نپردازد. (3)

و نیز می فرماید: بدهکار هرگاه همش این باشد که بدهی اش را بدهد، خداوند دو ملک را کمک و یار او می کند تا دینش پرداخت شود و چنانچه

ص: 36

-
- 1- 52. وسائل الشیعه/ ج 18/ ص 329، باب 5؛ من لا یحضره الفقیه/ ج 3/ ص 183؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام/ ج 25/ ص 42؛ جامع احادیث الشیعه/ ج 23/ ص 716؛ روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه/ ج 6/ ص 522.
- 2- 53. گناهان کبیره/ ج 2/ ص 18.
- 3- 54. وسائل الشیعه/ باب 8 / ج 21/ ص 268 و ج 28/ ص 293/ باب 27؛ الخصال/ ج 1/ ص 153؛ تهذیب الاحکام/ ج 10/ ص 153، باب 10؛ الحیاه با ترجمه احمد آرام/ ج 6/ ص 364.

قصدهش سست شود، پس به همان مقدار از کمک و یاری خدا محروم است. (1)

باید بدهکار عاجز را مهلت داد

در صورتی که بدهکار نمی تواند بدهی خود را حتی با فروش زائد بر مایحتاج، ادا کند بر طلبکار واجب است او را مهلت دهد تا وقتی که بتواند پردازد و مطالبه کردن و بدهکار را در مشقت و سختی انداختن حرام است.

چنانچه در قرآن مجید می فرماید: «اگر تنگدستی پیدا شود پس (وظیفه) مهلت دادنی است تا هنگام گشادگی و فراض (یعنی اگر بدهکاری نتوانست وام خود را که هنگام پرداختش رسیده پردازد، او را مهلت دهید تا توانایی پیدا کند) و اگر از بدهکار تنگدست صرف نظر کنید و مبلغی را که از او طلبکارید ببخشید، برای شما بهتر است اگر بدانید. (2)

زیرا اگر طلب خود را بگیریید مثل سایر اموال از بین می رود، ولی اگر به او ببخشید، صدقه ای است که نزد خداوند بامانت است و از آن برای همیشه بهره می برید»

از این آیه شریفه دو چیز استفاده می شود: یکی وجوب مهلت به بدهکاری که از پرداخت بدهکاری که از پرداخت بدهی عاجز است و

ص: 37

1 - 55. من لا- يحضره الفقيه / ج 3 / ص 183؛ الكافي / ج 5 / ص 95، باب قضاء الدين؛ وسائل الشيعه / ج 18 / ص 238، باب 5؛ بحار الانوار / ج 100 / ص 147، باب 3.
2 - 56. بقره / 280.

دیگری نیکویی بخشش و صرف نظر کردن از طلب و در روایات کثیره به هر دو موضوع است اشاره شده است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: برای بدهکارت حلال نیست که در حال توانایی، در پرداخت بدهی، مسامحه کند، همچنین بر تو هم حلال نیست او را در تنگدستی به زحمت بیندازی، وقتی بدانی از پرداخت وام ناتوان است. (1)

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پرهیزید از اینکه تنگ بگیریید بر یکی از برادران مسلمان خود، وقتی که از پرداخت بدهی خود ناتوان است، به سبب طلبی که از او دارید. زیرا پدر و مادر ما رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: جایز نیست که هیچ مسلمانی بر مسلمانی تنگ بگیرد و کسی که مسلمانی را مهلت بدهد، خدای تعالی و را در سایه ی خود جای می‌دهد، روزی که جز سایه ی خدا سایه ای نباشد (یعنی در پناه رحمت و لطف خود روز قیامت او را جای می‌دهد). (2)

و نیز فرمود: کسی که بخواهد خدا زیر سایه ی عرش خود جایش دهد، در روزی که سایه ای جز سایه خدا نباشد، باید بدهکار تنگدست را مهلت بدهد و از او مطالبه نکند یا اینکه طلبش را به او ببخشد. (3)

ص: 38

1-57. وسائل الشیعه/ ج 18/ ص 234، باب 8 و ص 366، باب 25؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص 139؛ درر الاخبار با ترجمه/ ص 712؛ مجموعه ورام (تنبيه الخواطر) / ج 2/ ص 265.

2-58. گناهان کبیره/ ج 2/ ص 19.

3-59. وسائل الشیعه، ابواب الدین، باب 25/ ج 18/ ص 367؛ الکافی/ ج 4/ ص 35؛ من لا یحضره الفقیه/ ج 2/ ص 59؛ تفصیل و وسائل الشیعه/ ج 16/ ص 319.

حضرت باقر علیه السلام می فرماید: روز قیامت جماعتی زیر سایه عرش خدا جای می گیرند، در حالی که صورت هایشان از نور و لباسشان از نور و بر کرسی هایی از نور قرار دارند. پس منادی ندا می کند که این ها کسانی اند که در دنیا بر مؤمنین آسان می گرفتند و بدهکار تنگدست را مهلت می دادند، تا وقتی که بتواند بدهی خود را بپردازد. (1)

افرادی باید خود را مقروض نمایند که قدرت پرداخت به موقع آن را داشته باشند، با این وصف، اگر مقروض یا بدهکار تنگدست بود و یا در هنگامی توانایی پرداخت آن را نداشت، باید طلبکار به او مهلت دهد و به او فشار نیاورد. امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«لیس المسلم ان یعسر مسلماً...» (2)

مسلمان نباید مسلمان دیگر را به سختی بیندازد.

همچنین آن حضرت فرموده است: کسی که تنگدستی را مهلت بدهد، خداوند روز قیامت بر سر او سایه می افکند، آن روزی که سایه ای جز سایه ی خداوند نیست؛ و در روایت دیگری فرموده است: همان طور که شخص بدهکار نباید طلبکار را معطل کند، باید سر وقت طلب او را بدهد، همان طور شخص طلبکار خوب است که بدهکار تنگدست را مهلت بدهد. (3)

ص: 39

1- 60. وسائل الشیعه، ابواب الدین، باب 25 / ج 18 / ص 367؛ بحار الانوار / ج 100 / ص 149، باب 4؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / ص 145.

2- 61. وسائل الشیعه / ج 18 / ص 367.

3- 62. همان / 367.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است: خداوند در روز قیامت عده ای را زیر سایه ی عرش قرار می دهد که صورت هایشان از نور و بر کرسی هایی از نور می نشینند. در آن حال منادی صدا می زند که این ها قومی هستند که بر مؤمنان آسان گرفتند و شخص تنگدست را مهلت دادند تا متمکن شود و آنگاه پول خود را وصول کردند. (1)

همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است:

« مَنْ أَرَادَ أَنْ يُظِلَّهُ اللَّهُ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ فَلْيَنْظُرْ مُعْسِراً وَ لِيَدْعَ لَهُ مِنْ حَقِّهِ » (2)

کسی که می-خواهد در روزی که سایه ای جز سایه ی عرش خداوند نیست، زیر سایه ی او قرار گیرد، باید به بدهکار مهلت دهد تا به فراخی رسد و یا از حق خود بگذرد.

این احادیث درباره ی کسی است که واقعاً تنگدست باشد، آن هم در مقطعی از زمان. اما کسی که همیشه تنگدست است، باید قرضش از بیت المال ادا شود و اساساً نباید قرض بخواهد و اگر هم بدهکار شد، باید طلبکار به او مهلت بدهد؛ باشد که خداوند در روز قیامت به او عنایت کند. از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

« مَا مِنْ مُسَدِّمٍ أَقْرَضَ مُسَدِّمًا قَرْضًا حَسَنًا يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا حُسِبَ لَهُ أَجْرُهَا كَحِسَابِ الصَّدَقَةِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْهِ؛ (3) هر مسلمانی که به مسلمانی به

ص: 40

1- 63. همان/ 367.

2- 64. وسائل الشیعه، ابواب الدین، باب 25/ ج 18 ص 367؛ الکافی/ ج 4 ص 35؛ من لا یحضره الفقیه/ ج 2 ص 59؛ تفصیل ووسائل الشیعه/ ج 16 ص 319.

3- 65. وسائل الشیعه/ ج 18 ص 330، باب 6؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص 138؛ بحار الانوار/ ج 100 ص 139، باب 1.

نیت رضایت خداوند قرض الحسنه دهد، برای او تا زمانی که طلبش برگردد، ثواب صدقه می نویسند».

همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است:

« مَنْ أَقْرَضَ مَوْناً قَرْضاً يُنْطَرُ بِهِ مَيْسُورُهُ كَانَ مَالَهُ فِي زَكَاةٍ وَ كَانَ هُوَ فِي صَلَاةٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ حَتَّى يُوَدِّيَهُ إِلَيْهِ ؛ (1) کسی که مؤمنی را قرض بدهد و به او مهلت بدهد، مثل این است که مال خود را زکات و صدقه داده باشد و خود آن شخص مهلت دهنده، هم در حال نماز جماعت با ملائکه ها باشد، تا زمانی که طلب او برگردد.».

در حدیثی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: « مَنْ أَقْرَضَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ كَانَ بَدَلَ دِرْهَمٍ أَقْرَضَهُ وَزَنَ جَبَلٍ أُحَدِّ مِنْ جِبَالِ رَضْوَى وَ طُورِ سَيْنَاءَ حَسَنَاتٌ ؛ (2)

سپس آن حضرت فرمود: « وَ أَنْ رَفَقَ بِهِ فِي طَلَبِهِ تَعَدَّى بِهِ عَلَيَّ الصِّرَاطِ كَالْبُرْقِ الْخَاطِفِ اللَّامِعِ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ لَا عَذَابٍ ؛ (3)

بعد از آن نیز فرمود: « مَنْ شَكَأَ إِلَيْهِ أَخُوهُ مُسْلِمٍ فَلَمْ يَقْرَضْهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ يَوْمَ يَجْزَى الْمُحْسِنِينَ » (4)

کسی که به بردار مسلمانش

ص: 41

1-66. وسائل الشیعه/ج 18/ص 330، باب 6؛ الحدائق الناظره/ج 20/ص 16.

2-67. وسائل الشیعه/ج 18/ص 331، باب 6.

3-68. وسائل الشیعه/ج 18/ص 331، باب 6.

4-69. وسائل الشیعه/ج 18/ص 331، باب 6؛ الحیاه با ترجمه احمد آرام/ج 6/ص 151/ح 149؛ بحار الانوار/ج 73، باب 67/ص 369؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ص 289؛ تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه/ج 16/ص 39، باب تحریم منع المؤمن.

قرض بدهد، به هر درهمی، ثواب وزن کوهی از کوه های رضوی و طور سینا را دارد. اگر کسی با بدهکار خود مدارا کند و به او مهلت لازم را بدهد، او را از پل صراط همچون برق عبور می دهند و نه حسابی از او می خواهند و نه عذابی می بیند. اگر پولداری، برادر مسلمانش به او رو آورد و از او و قرض بخواهد و او ندهد، خداوند بهشت را بر او حرام می کند و روزی که نیکوکاران پاداش می گیرند، او پاداشی دریافت نمی کند.

ثواب صدقه برای مهلت هر روز

کلینی از حضرت امام صادق علیه السلام روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی بر منبر رفته و پس از حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیغمبران فرمود: ای مردم باید که حاضران به آن هایی که نیستند برسانند؛ کسی که مهلت دهد مرد پریشانی را، بر خدا است که هر روز ثواب تصدق به آن مال را در نامه ی عملش بنویسد تا وقتی که مال خود را دریافت نماید. (1)

یعنی هر روزی که به او مهلت می دهد مثل این است که آن مقدار طلب خود را گرفته و در راه خدا انفاق کرده است.

ص: 42

1-70. وسائل الشیعه، ابواب الدین، باب 25/ ج 18/ ص 368؛ الحیاه با ترجمه احمد آرام/ ج 6/ ص 150؛ من لا یحضره الفقیه/ ج 2/ ص 59؛ الکافی/ ج 4/ ص 36، باب انظار المعسر؛ تفصیل وسائل الشیعه/ ج 16/ ص 320، باب 12.

ضمناً باید دانست که از جمله موارد حبس حقوق ندادن خمس و زکات یا مسامحه کردن در پرداخت آن است و چون منع زکات از جمله گناهان کبیره ای است که بر آن نص خالص است، قریباً به طور استقلال ذکر می شود.

خداوند تلافی می فرماید

مستفاد از روایات این است که بدهکار اگر پیش از پرداخت بدهی بمیرد و پس از او مالش بدهیش را نپردازند و صاحب حق او را نبخشد، در صورتی که هیچ تقصیری در پرداختن بدهی نداشته قرض را برای امر حرامی هم نمی خواسته و در ادا هم مسامحه نکرده، بلکه قصدش این بوده که آن را بپردازد و مالی هم نداشته که به آن وصیت کند پس خداوند روز قیامت از فضل خود طلبکارش را راضی می فرماید.

چنانچه محمد بن بشر و شا به خدمت حضرت امام صادق علیه السلام آمد و استدعا کرد که با شهاب که از جمله اصحاب آن حضرت بود درباره ی طلبی که از او داشت سخن بفرماید و دستور دهد با او سازش کند، تا وقتی که موسم حج بگذرد، و طلبش هزار دینار بود. آن حضرت شهاب را طلبیدند و فرمودند که تو حال محمد بن بشر را می دانی که از دوستان ما است و می گوید تو هزار دینار از او طلب داری و آن مبلغ خرج بطن و فرج نشده، بلکه دینی از او نزد مردم مانده و نقصانی چند کرده و من می خواهم تو او را حلال کنی. بعد از آن فرمود: شاید تو گمان می کنی که در عوض طلبت، حسناتش را به تو خواهند داد.

شهاب گفت: ما پیش خود چنین می دانیم.

حضرت فرمود: خدای تعالی کریم تر و عادل تر است از اینکه بنده ای به او تقرب بجوید و در شب سرما برخیزد و روز گرما بگذرد یا طواف خانه خدا به جا آورد و بعد از آن خدای تعالی حسناتش را بگیرد و به توهد و لیکن فضل الهی بسیار است و از فضل خود به مؤمن عوض می دهد. شهاب گفت: من او را حلال کردم. (1)

از حسنات به طلبکار می دهند

در صورتی که در پرداخت وام مقصر بوده به اینکه قرض را برای مصرف حرامی گرفته یا در پرداخت آن کوتاهی کرده با اینکه می توانسته و پس از مردنش از مالش ادا نشده و طلبکار هم نبخشیده است در قیامت معادل دین از حسناتش بر می دارند و به طلبکار می دهند و اگر حسناتی نداشته باشد یا کم بیاورد، از گناهان طلبکار بر او می افکنند. (2)

حضرت صادق علیه السلام می فرماید: روز قیامت صاحب قرض می آید و شکایت می کند اگر بدهکار حسنات دارد برای طلبکار از او می گیرند و اگر ندارد گناهانش را بر او می گذارند.

و در روایات زیادی تصریح شده کسی که حق الناس بر عهده اش باشد نجات نمی یابد مگر پس از راضی شدن صاحبان حق که یا به برداشتن حسنات یا گذاشتن گناهان یا به شفاعت اهل بیت علیهم السلام خداوند به او پاداش دهد. (3)

ص: 44

1-71. گناهان کبیره/ ج 2/ ص 21.

2-72. همان/ ج 2/ ص 21.

3-73. همان/ ج 2/ ص 21.

معاوضه به چقدر می شود؟

چگونگی معاوضه به اینکه در مقابل حق چه مقدار حسنه واقع می شود، خداوند و رسولش بهتر می دانند و راهی برای دانستن ما نیست و لزومی هم ندارد.

بلی در بعضی از روایات به پاره ای از مراتب آن اشاره شده چنانچه می فرماید: در برابر هر درهمی، ششصد نماز از مدیون گرفته شده و به طلبکار داده می شود. (1) و نیز در برابر هر يك ششم از درهم نقره (درهم 18 نخود نقره است) هفتصد نماز قبول شده می گیرند و به صاحب حق می دهند. (2)

به هر حال بدهکار از دنیا رفتن خیلی سخت است. باید هر کس بکوشد که پیش از مرگ بدهی نداشته باشد و چنانچه از هر راهی عاجز باشد، سخت به اهل بیت علیهم السلام متوسل شود تا خصمای او را راضی فرماید.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: گناهی بزرگ تر (بعد از کبائری که خداوند از آن ها نهی فرموده) از این نیست که شخصی بمیرد و بر او وام هایی از مردم باشد و چیزی نداشته باشد که با آن بدهیش را بپردازد. (3)

و روزی پس از نماز به اصحاب خود فرمود: فلان شخص که شهیده شده بیرون بهشت متوقف است و نمی تواند وارد شود، به واسطه ی سه درهمی که به فلان شخص یهودی بدهکار است. (4)

ص: 45

1-74. گناهان کبیره/ ج 2/ ص 22.

2-75. گناهان کبیره/ ج 2/ ص 22.

3-76. گناهان کبیره/ ج 2/ ص 22؛ مستدرک الوسائل/ ج 13/ ص 393، باب 4، باب الدین.

4-77. گناهان کبیره/ ج 2/ ص 22.

شتاب کردن در ادای دین مستحب است

چنانچه حبس حقوق و پرداختن قرض حرام و از گناهان کبیره است، ادای دین و شتاب کردن در پرداخت آن در صورت مطالبه و توانایی، از بهترین واجبات خدا است و بر آن ثواب های بسیاری وعده داده شده است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: کسی که طلبکاران خود را راضی کند بهشت بر او واجب می شود بدون معطلی حساب و در بهشت همنشین حضرت اسماعیل خواهد بود. (1)

و نیز می فرماید: در بدهی که شخص به طلبکارانش رد می کند، برایش از هزار سال عبادت و هزار بنده آزاد کردن و هزار حج و عمره به جا آوردن بهتر است. (2)

و نیز فرمود: کسی که درهمی به صاحبان حق برآورد کند، خداوند او را از آتش جهنم آزاد می فرماید و به هر دانه (یک ششم درهم) که داده ثواب پیغمبری به او می دهد و به هر درهمی که داد شهری از در سرخ در بهشت به او مرحمت می فرماید. (3)

و نیز می فرماید: رد کردن یک درهم به صاحب حق بهتر است از روزه داشتن در روز و به پا ایستادن به عبادت در شب و کسی که بدهیش را رد کند، ملکی از زیر عرض او را ندا می کند که ای بنده عملت را از سر گیر که خداوند گذشته های تو را آمرزید. (4)

ص: 46

1-78. جامع الاخبار/ص 156 فصل 118.

2-79. جامع الاخبار/ص 156 فصل 118.

3-80. جامع الاخبار/ص 156 فصل 118.

4-81. جامع الاخبار/ص 157 فصل 118؛ گناهان کبیره/ج 2/ص 25.

با زکات می توان بدهی مقروضان را ادا کرد

یکی از بودجه های حکومت اسلامی، زکات است و مسئولیت جمع آوری آن به عهده ی حکومت اسلامی است. یکی از مصارف زکات، پرداخت آن به «غارمین» است. «غارمین» (ورشکستگان) کسانی هستند که در زندگی مقروض شده اند و قدرت پرداخت بدهی خود را ندارند؛ و حکومت اسلامی یا کسی که از جانب حکومت اسلامی نیابت دارد، موظف است با پرداخت زکات به بدهکاران، از آنان دستگیری کند.

از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است:

اگر کسی که با سعی و کوشش، از راه حلال روزی به دست می آورد و خود و خانواده اش را اداره می نماید، تنگدست گردد، با توجه به اینکه برای تأمین معاش خود سعی و کوشش کرده است، بر خدا و رسول است که خرجی او را بدهند و اگر در گذشت، بر پیشوای مسلمین است که بدهی او را تأمین کند و اگر پیشوای مسلمین این وظیفه را انجام ندهد، گناهکار خواهد بود، زیرا خداوند در قرآن می فرماید: زکات برای مصرف فقرا بر مساکین و بدهکاران است. (1)

همچنین از امام رضا علیه السلام سؤال شد که تا چه مدت باید به بدهکار مهلت داد؟ آن حضرت فرمود: تا روزی که خبر بدهکاری او به پیشوای مسلمانان برسد و او متوجه شود که این شخص بدهکار است و باید از سهم غارمین بدهی او را بپردازند. (2)

ص: 47

1- 82. قرص الحسنه/ ص 56.

2- 83. وسائل الشیعه / ج 18 / ص 92.

از این حدیث و امثال آن به خوبی استفاده می شود که باید قرض بدهکاران بی علاج و درمانده از زکات پرداخت گردد و این کار هم به عهده ی نظام اسلامی است. همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده است: باید پیشوای مسلمان بدهی مؤمنان را به استثنای مهریه ی زنانشان بپردازد.

قرض الحسنه در سیره امام رضا علیه السلام

1- قرض الحسنه و آخرت

اشاره

قال الرضا عليه السلام: « وَإِذَا مَاتَ رَجُلٌ وَ لَهُ دَيْنٌ عَلَى رَجُلٍ فَإِنْ أَخَذَهُ وَارِثُهُ مِنْهُ فَهُوَ لَهُ وَإِنْ لَمْ يُعْطِهِ فَهُوَ لِلْمَيِّتِ فِي الْآخِرَةِ ؛ وَتَنِي طَلْبَكَارِ مِنْ دُنْيَا بَرٍّ ، چنانچه وارث طلب را بگیرد، مال اوست و اگر داده نشود در آخرت به مرده و صاحب مالی مال تعلق می گیرد.»⁽¹⁾

وام گیرنده ی دزد

« وَاعْلَمْ أَنَّهُ مَنْ اسْتَدَانَ دَيْنًا وَ نَوَى قَضَاءَهُ فَهُوَ فِي أَمَانِ اللَّهِ حَتَّى يَقْضِيَهُ فَإِنْ لَمْ يَنْوِ قَضَاءَهُ فَهُوَ سَارِقٌ ؛ کسی که قرض بگیرد در صورتی که تصمیم داشته باشد آن را پس بدهد، در امان خداست تا آن را اداء کند، ولی اگر تصمیم نداشته باشد آن را به صاحبش برگرداند، دزد محسوب می شود.»⁽²⁾

ص: 48

1- 84. فقه الرضا/ص 268، بحارالانوار/ج 103/ص 156؛ بحار/ج 100/ص 256؛ مستدرک الوسائل/ج 13/ص 415/باب نوادر.

2- 85. فقه الرضا/ص 268؛ بحارالانوار/ج 103/ص 150.

اشاره

« إِنْ كَانَ لَكَ عَلَى رَجُلٍ حَقٌّ فَوَجَدْتَهُ بِمَكَهٍ أَوْ فِي الْحَرَمِ فَلَا تُطَالِبْهُ بِهِ وَلَا تَسَلِّمْ عَلَيْهِ فَتُنْفِرَ عَنْهُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ أَعْطَيْتَهُ حَقَّكَ فِي الْحَرَمِ فَلَا بَأْسَ أَنْ تُطَالِبَهُ فِي الْحَرَمِ »؛ اگر از شخصی طلبکاری و او را در مکه یا در حرم یافتی، از او مطالبه مکن و بروی سلام هم مکن؛ که از تو ترسان شود. بلکه اگر در محدوده ی حرم چیزی به وی دادی می توانی در آنجا مطالبه کنی. (1)

نتیجه ی قرض الحسنه

رُوي عَنْ فَهْرِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: « أَنْ أَجَرَ الْقَرْضِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ ضِعْفًا مِنْ أَجْرِ الصَّدَقَةِ لِأَنَّ الْقَرْضَ يَصِلُ إِلَى مَنْ لَا يَصْنَعُ نَفْسَهُ لِلصَّدَقَةِ لِأَخْذِ الصَّدَقَةِ ؛ پاداش و ام 18 برابر بیش از صدقه است، زیرا قرض الحسنه باعث می شود که شخص به گرفتن صدقه دچار نشود. » (2)

3- فلسفه ی تحریم ربا

محمد بن سنان گوید: حضرت رضا علیه السلام در جواب مسائل من نوشت:

علت تحریم ربا و نهی خداوند از آن از این جهت است که خداوند متعال از فساد اموال جلوگیری کرده و مردم را از مخلوط شدن مال آن ها به حرام بازداشته است.

هر گاه آدمی يك درهم را به دو درهم خریداری کرد يك درهم آن مشروع و درهم دیگر باطل است و خرید و فروش ربوی در هر حال برای فروشنده و مشتری موجب ضرر و زیان است.

ص: 49

1-86. فقه الرضا/ص 253؛ بحار الانوار/ ج 103/ص 156.

2-87. بحار الانوار/ ج 103/ص 140 و فقه الرضا/ص 256.

پس خداوند متعال بنده خود را از ربا بازداشته تا صاحب مال گرفتار فساد و تباهی مال نگردد، همان طور که سفیه را از تصرف مالش منع کرده تا آنگاه که سفاهت او برطرف شده و قدر و قیمت مالش را بدانند، و از این رو خرید و فروش يك درهم را به دو درهم حرام فرموده است.

بعد از اینکه خداوند حرمت ربا را بیان کرده و در قرآن مجید حکم آن را فرموده هر کس این حرام را مرتکب شود و حکم خداوند را زیر پا گذارد مرتکب کفر شده است؛ و علت دیگر آنکه اگر در جامعه اسلامی رباخواری پدید آید، مردم خوبی ها را فراموش می کنند، و برای رسیدن به مال زیاد از هر گونه ظلم و اجحاف خودداری نخواهند کرد، و در نتیجه قرض الحسنه و اعمال نیک در جامعه از بین می رود، و فساد و تباهی و از بین رفتن اموال مردم و تلف شدن ثروت عمومی و انحصار آن پیش خواهد آمد. (1)

نتیجه گیری

با توجه به سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله که در آخرین سال های حیات خود که فرمودند: «انی تارك فيکم الثقلین کتاب الله و عترتی»؛ و با تتبع و تحقیق در ثقل اکبر یعنی قرآن و ثقل اصغر یعنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به این نتیجه می رسیم که کسی که قرض دهد مانند این است که به خدا قرض داده ایم. خدایی که بی نیاز است و نیازی به پول و قرض دادن ما ندارد پس چرا قرض دادن به خدا می باشد این یعنی، این که اغنیاء به کمک و یاری مستمندان و فقرای جامعه بشتابند و گره از کار آنان و نمایند و خداوند هم در قبال این کار ثواب هایی مضاعف و پاداش هایی فراوان

ص: 50

می دهد؛ و تا زمانی که شخص مؤمن نیاز به قرض ندارد نباید خود را بدهکار نماید زیرا قرض گرفتن بیهوده و بی نیاز موجب و غم و اندوه می شود ولی کسی که دخلش به خرجش نمی رسد می تواند قرض نماید و خدا هم به کسی که قرض می دهد وام بدون بهره می دهد، که این قرض الحسنه را بنا بر فرموده امام رضا علیه السلام در مقابل ربا قرار داده است، به هر دره می خداوند معادل کوه احد و طور سینا به او حسنت می دهد و از صراط عبور می نماید و کسی که قرض گرفته باید در پرداخت آن شتاب نماید و در اسرع وقت آن بدهی را پرداخت نماید تا دیگران هم بتوانند از آن استفاده نمایند چون کسی که قصد پرداخت آن را نداشته باشد خیانت نموده است و مؤمن هم خیانت نمی نماید و گره هم از مشکل دیگر برادران مسلمان باز می شود، و خداوند هم برای کسی که قرض داده روز قیامت تلافی می نماید و آن کسی که خیانت می نماید خداوند از حسنتش بر می دارد و به او می دهد و تمام حسنت قرض گیرنده برابر با سیئات قرض دهنده می شود. به امید آن روز که در این جامعه ی ما و تمامی دنیا از وام های ربوی، نزول و ربا پاک شود و سنت حسنه ی الهی و نیکو که همان قرض الحسنه می باشد جایگزین آن شود؛ و این جامعه از فقر و بیکاری رخت بر بندد به شرطی که اغنیاء به این سنت الهی پایبند باشند.

در این قسمت به شاخص های فرهنگ قرض الحسنه مطلوب، شاخص های قرض دهنده مطلوب و شاخص های قرض گیرنده مطلوب می پردازیم. و برای دستیابی به آثار فرهنگ قرض الحسنه که در کتاب و سنت مطرح شده است، شرایط و شاخص هایی ذکر شده که چنانچه در مرحله اجرا و عمل رعایت شوند، کارکرد مطلوب این فرهنگ در عرصه های گوناگونش به روشنی تحقق خواهد یافت و جامعه از آنها بهره مند خواهد شد.

در دوره جاهلیت، در جزیره العرب، قرض در میان مردم معمول بوده است، اما فردی که به دیگری قرض میداد، معمولاً از مقروض طلب بیشتری می کرد و یا اینکه بر او منت می نهاد و یا از او هدیه می گرفت و یا افراد مقروض را برده و بنده خود می دانست، اما قرآن کریم با آوردن صفت «حسنة» آن سیستم قرضی را رد کرد و کیفیت آن را به گونه ای دیگر بیان داشت.

شاخص های فرهنگ قرض الحسنه مطلوب

قرض الحسنه به عنوان رفتاری برخاسته از تعالیم دینی، رفتاری ارزشی است که با توجه به فلسفه هایی که برای آن برشمرده شده، کارکردهای موثر و متعددی برای فرد و جامعه دارد؛ و اساساً این سنت به لحاظ همین کارکردها و آثار توصیه و تاکید شده است که در واقع از یک سو نیز نشانگر دیدگاه ها و نکته سنجی های دقیق اسلام می باشد.

ص: 55

نقش تربیتی این فرهنگ در خودسازی، شکوفایی فضیلت‌ها و نیکی‌ها بسیار حائز اهمیت است؛ از این رو بخش عمده‌ای از این جریان پویا را مسائل انسانی و تربیتی تشکیل می‌دهد.

برای دستیابی به آثار فرهنگ قرض الحسنه که در کتاب و سنت مطرح شده است، شرایط و شاخص‌هایی ذکر شده که چنانچه در مرحله اجرا و عمل رعایت شوند، کارکرد مطلوب این فرهنگ در عرصه‌های گوناگونش به روشنی تحقق خواهد یافت و جامعه از آنها بهره‌مند خواهد شد.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که: شاخص‌های فرهنگ قرض الحسنه مطلوب چیست؟

ماهیت هر فرهنگی متشکل از اجزایی است که فرا آمدن این اجزاء، منجر به ایجاد یک فرهنگ می‌شود.

اجزای اصلی فرهنگ قرض الحسنه بر دو عنصر استوار است: 1- قرض دهنده؛ 2- قرض گیرنده.

بدون این دو عنصر هیچ‌گاه قرض تحقق نمی‌یابد. اکنون باید دید در منابع فرهنگ دینی ما چه شاخص‌هایی برای عناصر فرهنگ قرض الحسنه مطلوب ذکر شده است و در نتیجه با تطبیق وضع موجود با شاخص‌های مطلوب در یابیم در کجای راه هستیم و باید چه کارهایی انجام بدهیم؟ نواقص و کمبودها در کجاست؟ بنابراین هر اندازه به شاخص‌های مطلوب این فرهنگ نزدیک باشیم، به همان میزان توفیق یافته‌ایم تا به معنی واقعی فرهنگ قرض الحسنه را به اجرا بگذاریم، و قطعاً اجرای صحیح و دقیق این فرهنگ، پیامدها و آثار سازنده‌ای دارد که انکار ناپذیر است.

شاخص های قرض دهنده مطلوب در بررسی منابع دینی شاخص های ذیل را می توان یافت:

1: قرض دهنده می باید بدون منت و اذیت قرض دهد؛ (1)

2: خوش رویی را سرلوحه کارش قرار دهد؛ (خوشرویی در تمام کارها پسندیده است ولی در اعطای قرض الحسنه پسندیده تر است؛ زیرا قرض یک رفتار اخلاقی و تربیتی است که با گشاده رویی تاثیرش بیشتر می شود.)

3: هیچ گونه پیش شرطی در اعطای قرض مطرح نکند؛ (2)

4: فقط برای خشنودی خداوند قرض دهد و از ریا، خودنمایی و کسب مقاصد مادی پرهیز کند؛ (3)

ص: 57

1- بقره / 262. البته این آیه درباره نفاق است، لکن از آن جهت که انفاق و قرض هر دو از مصادیق احسان هستند، از این رو منت نگذاشتن از آداب و شرایط هر دو محسوب می شود.

2- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، قم، 1364 ه.ش، ج6، ص 203 ح 457.

3- بقره / 264، اخلاص، رمز سلامت عمل است و مسلمان برای آنکه قرض و احسانش را از گزند مخاطره ها، سالم و پاک نگه دارد، می باید اخلاص پیشه کند تا اعطای قرض الحسنه تاثیر تربیتی و سازندگی خود را بر دهنده و گیرنده بگذارد. اصولا اخلاص در تمام فعالیتها موجب ارزشمند شدن فعالیت انسان می شود، اخلاص به معنای دلدادگی به خداوند و بریدن امید و چشمداشت از غیر اوست که بالاترین فضیلت برای انسان به شمار می رود. از طرف دیگر، اعطای قرض الحسنه به نیازمندی در حقیقت قرض دادن به خداوند است از این رو در آیه 11 سوره حدید می فرماید: «من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا» بنابراین به خاطر خداوند قرض دادن می باید همواره حفظ شود و اساسا گوهر و مغز عمل، اخلاص و به خاطر خدا انجام دادن آن است. آیه 265 سوره بقره و آیه 38 سوره نساء درباره اخلاص در زمینه انفاق آمده است.

1: هیچ گونه کارمزد و زیادتز از آنچه قرض داده، دریافت نکند؛ (1)

2: نیازمندان را نعمت های خداوند بدانند که به طرف او حواله شده اند؛ امام علی علیه السلام میفرماید: «نیازمندی های مردم به شما، نعمتی از جانب خداوند بر شماست.» (2)

3: از مال حلال و پاکیزه، قرض بدهد؛ (3)

4: از بهترین و محبوب ترین اموالش قرض الحسنه بدهد، زیرا طرف معامله در قرض الحسنه، خداوند کریم است. بنابراین شایسته است بهترین دارایی را در معامله با او به کار برد؛

5: به کسی که نیازمند و محتاج تر است، قرض بدهد؛ (4)

6: از تجارت با سپرده های مردم برای اعطای قرض الحسنه، امتناع کند؛

کار خود را بزرگ نشمارد تا مبادا دچار آفت و غرور و عجب گردد. (امام صادق علیه السلام می فرماید: «احسان و عمل نیک وقتی شایسته است که دارای سه خصوصیت باشد: کوچک شمرده شود؛ پنهانی انجام گیرد؛ فوری و با سرعت انجام شود که در غیر این صورت احسان تباه خواهد شد.» (5)

این موارد، مهم ترین شاخص های قرض الحسنه مطلوب از جهت قرض دهنده است که چنانچه رعایت شود، باعث رشد فضیلت ها و شخصیت های فردی و اجتماعی و تاثیر گذاری مطلوب فرهنگ قرض در جامعه خواهد

ص: 58

1- فصلنامه وام، ش 1، پاییز 75، مقاله «بررسی حکم فقهی کارمزد»، ص 13-18.

2- وسائل الشیعه، ج 2، ص 573.

3- بقره 267. «یا ایها الذین آمنوا انفقوا من طیبات ما کسبتم».

4- سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوة للطباعة والنشر، 1414ه.ق، ج 7، باب القاف بعده الراء، ص 285.

5- خصال صدوق، ص 133.

شد و همگان از آن بهره خواهند برد، پایبندی قرض دهندگان به این شرایط، زمینه تأثیر پذیری و تأثیرگذاری تربیتی و الهی را فراهم می آورد و بر ایجاد روحیه های بالنده در دلها و ثبات و استقامت ایمان بر قلبها مساعدت خواهد کرد و طبعاً رضامندی از خویش و لذت بردن از زندگی را در پی خواهد داشت.

شاخص های قرض گیرنده مطلوب

درباره گیرنده قرض احادیث متعددی وارد شده است که در حقیقت شاخص های قرض گیرنده مطلوب را برای ما به تصویر می کشد؛ این بدان معنی است که چنانچه قرض گیرنده طبق این شاخص ها رفتار کند، برای سلامت بردی و اجتماعی او کارساز و موثر است و به بالندگی و شکوفایی او کمک خواهد کرد؛ زیرا راه و روشی که دین به ما می آموزد راه تکامل واقعی و رشد حقیقی است.

ما در آن جا به مهمترین شاخص های قرض گیرنده مطلوب اشاره می کنیم:

برای نیازهای ضروری زندگی، قرض بگیرد؛ (1)

نیت ادای قرض را داشته باشد؛ (2)

در وقت تعیین شده، دین خود را پردازد و کوتاهی و سستی نکند؛ (3)

ص: 59

1- بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، در احیاء التراث العربی، بیروت، 403ه.ق، ج 96، ص 146، ح 4؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 81 حدیثی از امام موسی کاظم علیه السلام.

2- بحارالانوار، ج 96، ص 146، ح 1 و 8؛ مستدرک الوسائل، ج 13، ص 393، باب 4.

3- بحارالانوار، ج 96، ص 146، ح 3؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 84، باب 4.

رفتار پسندیده و اخلاق نیک را همواره به هنگام پرداخت قرض در نظر داشته باشد؛

اطمینان به توانایی باز پرداخت قرض را داشته باشد. (1)

مفهوم و عناصر احیای فرهنگ قرض الحسنه

مفهوم احیای فرهنگ قرض الحسنه

اصولا احیای یک فرهنگ به معنای بیداری واقعی و احراز شاخص های مطلوب آن است که قطعاً نتایج احیای فرهنگ، در کارکرد بایسته موثر آن، پدیدار خواهد شد؛ بنابراین، احیای فرهنگ قرض الحسنه به معنای اجرای دقیق شاخص هایی است که دین برای عناصر قرض الحسنه برشمرده است.

پس چنانچه روند، قرض الحسنه، هماهنگ و همسو با دیدگاه ها و نگرش ها و موازین دینی باشد، می توان بر مطلوبیت آن روند، صحت گذارد و به هر میزان این هماهنگی و انطباق، نزدیکتر و دقیق تر باشد، مطلوبیت آن نیز افزایش خواهد یافت.

عناصر اصلی احیای فرهنگ

احیای فرهنگ، وابسته به سه عنصر اساسی است:

قابلیت های آن فرهنگ؛

بستر و جامعه مورد نظر، که بحث زمان و مکان نیز در آن مطرح است؛ احیاگران، که متصدیان اجرای آن فرهنگ هستند.

ص: 60

اینها عناصر اصلی در احیای بیداری واقعی یک فرهنگ به شمار می روند. این عناصر می باید در یک وضعیت مطلوب و یا نسبتاً مطلوب باشند تا یک فرهنگ، سرزنده شود یا تأثیر گذار بماند.

هماهنگی و همگامی این عناصر در روند احیاء امر ضروری است؛ یعنی، چنانچه یک فرهنگ قرض الحسنه، دارای توانایی ها و قابلیت های شایسته ای باشد، ولی بستر و جامعه ای که این فرهنگ در آن می خواهد اجرا شود، آمادگی لازم را نداشته باشد و یا اینکه مجریان و متصدیان فرهنگی آن، شرایط مطلوب را دارا نباشند، روند تکاملی که مقصود است تحقق نخواهد یافت و این فرهنگ پویا در چنان بستر و جامعه ای با آن مجریان هرگز آن تأثیرگذاری مطلوب را - که خاصیت یک فرهنگ زنده و بیدار است - نخواهد داشت و یا چنانچه عناصر سه گانه در دوره ای از شرایط مطلوب خود بیگانه شوند و یا به ضعف گریند، بیداری آن فرهنگ نیز دچار اختلال خواهد شد. آن وقت است که مرگ یک فرهنگ یا سستی و خمودی آن فرا می رسد و تبدیل به یک فرهنگ بی خاصیت می شود که از آن تنها نامی برجا نخواهد ماند. بنابراین همگامی و پویای مستمر این عناصر فرهنگی در روند فعالانه و تاثیرگذارانه فرهنگ، نقش با اهمیتی دارند.

اکنون می خواهیم بدانیم آیا فرهنگ قرض الحسنه، تواناییها و قابلیت های لازم را دارد که در اینجا به آن می پردازیم.

قابلیت های فرهنگ قرض الحسنه

برای دستیابی به توانایی های این فرهنگ می باید به منابع دینی و تجربیات خویش مراجعه کنیم:

با رجوع به آیات و روایت مسئله که منابع متقن دینی ما به شمار می روند، توانایی ها و کارکردهای متعددی برای قرص الحسنه بر شمرده شده است که ما به برخی از آنها اشاره می کنیم

قرص الحسنه میثاق و پیمانی میان انسان و خداوند است که پایبندی به این میثاق در حقیقت ارج نهادن به گوهر انسانیت و شخصیت واقعی انسان است، و آیه 12 از سوره مانده اشاره به این میثاق دارد.

اجرای این میثاق، نیازمند دلدادگی انسان به آفریدگار هستی و وعده های اوست و به بیان دیگر لازمه اش ایمان و باوری است که در دل ریشه دوانیده باشد و طبعاً نتایج چنین باور و ایمانی، شکوفایی فضیلت ها و گسترش نورانیت و معنویت در دلهاست که از ارزنده ترین ارزش ها و گواراترین میوه های الهی شدن انسان است. اساساً سنت های دینی اسلام برای همین مقصد و هدف تشریح شده است تا جامعه با عمل به آنها به رستگاری و زندگی پاکیزه در جهان مادی و ابدی دست یابد و گویی در هم به هر سنتی از سنن اسلام، دل گامی جلوتر پیش می گذارد و مرتبه ای از مراتب کمال را طی می کند و با هر قدمی که بر میدارد به نیکباییها و زیباییها، مایل تر و از زشتیها و رذیلت ها بیزارتر می شود.

قرص الحسنه، یک آزمون الهی است. همان طور که نماز، زکات و جهاد آزمون های الهی هستند و همه در این آزمون، سنجیده می شوند و در این عرصه درج خلوص، مروت و انسانیت مشخص می گردد. از این رو در آیه 12 سوره مانده، قرص الحسنه را در کنار آزمون های دیگر آمده است تا مؤمنان را متوجه ارزش و اعتبار آنند. موفقیت در این آزمایش ها، به معنای نزدیکتر شدن به گوهر بی همتایی است که رسیدن به آن، دست یافتن به سعادت،

خوشبختی و سرور دائم است و این، جوهره هر کار نیکی است که انسان خالصانه به آن همت گمارد.

آری! کسب خشنودی آفریدگار هستی، به معنای سیراب شدن از سرچشمه هستی است و نتیجه قطعی این فیض، اطمینان و آرامش بی نظیری است که بر تمام وجود انسان گسترده می شود و این آرامش و ایمنی از بزرگترین آرزوها و خواسته های انسانهای بلند همت بوده و هست.

قرض الحسنه و انفاق، علی رغم تفاوتهایی که دارند در برخی آثار و نتایج همراهند. مثلاً قرض الحسنه همانند انفاق، نشانه مهرورزی، همدلی و بیداری وجدان اجتماعی است که از ارکان مهم زندگی سعادت‌مندانه یک جامعه به شمار می رود (1) که همواره از بزرگترین آرزوها و خواسته ای انسان های بلند همت بوده و هست.

اسلام برای طرد عملی ربا، سیستم قرض الحسنه را مطرح کرده است. همان طور که میدانیم طرد یک روش زیان بار در جامعه و جایگزین کردن روش کارآمد و سودمند، فرایندی مهم، ولی دشوار است که نیازمند آگاهی دادن و بردباری و تداوم است. منطقی می باید فرهنگ و روش جدید، دارای قابلیت ها و تواناییهای اداره یک جریان اجتماعی و تربیتی- فرهنگی باشد و اسلام توانسته توأم با طرح عالمانه فرهنگ قرض الحسنه در اجرا - که در سیره زندگی سلسله جنبان انبیاء و صلحاء علیهم السلام به وضوح روشن است - نیز آن را عینیت بخشد و به صورت عملی به عنوان یک فرهنگ موثر و کارآمد در جامعه دینی تعبیه کند و عملاً ربا را از جامعه طرد سازد.

ص: 63

درست به همین جهت هرگونه شرط منفعتی در قرض الحسنه، حرام معرفی شده است؛ خواه این شرط به طور صریح بیان شود و یا در ضمیر باطن مورد قصد و نیت قرار گرفته باشد. چنین قرضی همان ربای قرضی است که بر حرمت آن تاکید شده است. (1)

اسلام در جهت نابودی کامل ربا از جامعه، سیستمی اقتصادی موثر دیگری را پیشنهاد کرده است، مانند تجارت، مضاربه و ... که مجموعه اجرای این روش های اقتصادی، به طرح کامل و تمام عیار ربا خواهد انجامید، بنابراین سیستم های دیگر اقتصادی اسلام، هماهنگی و همسویی موثری با فرهنگ قرض الحسنه در نابودی را دارند.

نوع دوستی و دستگیری از نیازمند، یکی از مسائل اساسی است که ادیان آسمانی بر انجام آن ارشاد کرده اند و وجدان و عقل بیدار نیز بر این مهم صحنه گذارده اند.

اسلام بیش از دیگر ادیان آسمانی نسبت به برآوردن نیاز نیازمندان توصیه کرده است و یکی از راههای تحقق این ارزش، قرض الحسنه است. با این توضیح، منزلت آن نیز بیشتر از راههای دیگر مانند انفاق و صدقه است، زیرا قرض الحسنه به دست نیازمند واقعی می رسد و موجب تلاش و کار بیشتر قرض گیرنده می شود. اما در انفاق و صدقه، این جنبه سازندگی و تربیت نفوس انسانی بسیار کم رنگ است، زیرا گیرنده صدقه و انفاق، هیچ گونه الزامی به باز پس دادن موضوع مورد انفاق و صدقه ندارند، ولی قرض الحسنه چنین نیست.

ص: 64

1- تحریر الوسيله، امام خمینی (ره)، کتاب القرض، مسئله 10.

آنچه قرض الحسنه را ارزشمند و سازنده می کند، مقدار زیاد قرض و زمان طولانی باز پس دادن آن نیست، بلکه شکل برخورد با نیازمندان است و شاید بتوان گفت حتی مهم تر و بالاتر از قرض دادن، نوع رفتار با مراجعان است.

از دیدگاه اسلام، دستگیری از نیازمند شعار مسلمانان و نشانه مسلمانی است. در این باره رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: هر کس شب را سحر کند و در اندیشه کار سازی و رفع مشکلات مسلمانان نباشد، مسلمان واقعی نیست.» (1)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هر کس حاجت و نیازش را نزد من آورد فوراً آن را بر آورده می سازم مبادا موقعیت از دست برود و من توفیق انجام خدمت مجدد در باره او به دست نیاورم و در نتیجه از چنین ثواب و پاداش عظیمی محروم گردد.» (2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خلایق به منزله ی عائله خداوند هستند و محبوب ترین مردم نزد خدا، مهربان ترین آنان برای عائله الهی هستند و دوست داشتنی ترین آنان، کسانی هستند که در رفع نیازمندی های بندگان خدا کوشا هستند.» (3)

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام خطاب به کمیل فرمود: «به خانواده ات دستور بده در تحصیل مکارم اخلاق بکوشند و حتی در تاریکی های شب به بر آوردن نیازهای مردم بپردازند. سوگند به خدایی که

ص: 65

1- اصول کافی، ج 2، ص 163.

2- بحار الانوار، ج 78، ص 286.

3- اصول کافی، ج 2، ص 199.

عمل جانم در دست اوست هیچ کسی بر دل انسان مؤمنی، سرور و شادمانی وارد نمی کند مگر آنکه خداوند از این عمل نیک او، مایه لطفی می آفریند که در هنگام گرفتاری و نزول بلا سریع تر از سرعت سیلاب در سراشیبی به کمک او می رسد و او را نجات می دهد.»
(1)

در بسیاری از کشورهای به اصطلاح پیشرفته و نیمه پیشرفته، سازمانهای و مؤسسات تأمین اجتماعی به حمایت از نیازمندان که از اعضای خود هستند می پردازند، لکن در فرهنگ اسلام، این حمایت از نیازمند یک مسئله عمومی و فراگیر است که همه مسلمانان را به آن فراخوانده و عملاً همه مردم را به مشارکت دعوت کرده است و این امر آثار متعددی دارد که می باید در بحث از مزایای سیستم های تأمین اجتماعی اسلام مورد ارزیابی قرار داد.

اسلام به منظور رشد فضیلت ها و صفات ارزشمند، روش های عملی را مطرح کرده است. یکی از این روش ها، قرض الحسنه است که موجب رشد فضیلت سخاوت در انسان می گردد و علاوه بر آن به طرد صفت رذیله بخل می انجامد، زیرا کسی که مقداری از دارایی اش را به مؤمنان نیازمند، قرض میدهد، توانسته است بهره مندی از آن دارایی را در اختیار مؤمنان نیازمند قرار دهد و به آنان ببخشد؛ از این رو این بخشش، بیانگر زنده بودن روح انسانی در شخص است در حالی که انسان بخیل فاقد چنین توان و روحیه ای است. از این رو بخیل، انسان حقیر و کوچکی است که ظرفیت وجودی و روحیه او آمادگی چنین رفتار و منشی را ندارد.

ص: 66

در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «شخص سخاوتمند به خدا و مردم و بهشت نزدیک است و شخص بخیل از خدا و مردم دور و به دوزخ نزدیک است.» (1) این تقرب به خداوند و محبوبیت میان مردم، سعادت ابدی و تنعم در لذات و خوشی، محصول فضیلت بخشندگی است و متقابلاً آن دوری از سرچشمه هستی و مردم و غرق شدن در بدبختی نتیجه بخیل بودن است. این حدیث، تصویر روشنی از سرانجام سخاوتمندان و بخیلان را ارائه می کند. از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، بخل راهبر انسان به تمام بدی ها و پلیدی هاست: «بخل، جامعه تمام عیوب و نواقص است و همچون افساری است که شخص را به هر کار بدی می کشاند.» (2)

کارکرد مهم دیگر قرض الحسنه این است که انسان را از دایره خودیت، خودبینی و خودخواهی که حصار بزرگی در برابر کمال طلبی انسان است، خارج می سازد و او را به مرکز تمام کمالات و زیبایی ها سوق میدهد.

انسانی که فقط در اندیشه تأمین نیازهای جسمانی و تمایلات حیوانی خویش است، در حقیقت در زندان خودخواهی و خودپرستی گرفتار است و همین مسأله مانع پیوند او با مراتب عالی کمال است. از این رو، از دیدگاه امام صادق علیه السلام خود پرستی، دورترین حالات انسان نسبت به آفریدگار هستی است و در این باره آن حضرت می فرماید: «دورترین حالات بنده از خدای بزرگ وقتی است که کوشش او فقط خوردن، نوشیدن و لذت های حیوانی باشد.» (3)

ص: 67

1- بحار الانوار، ج 73، ص 308.

2- نهج البلاغه، حکمت 378.

3- بحار الانوار، ج 73، ص 19.

قرض الحسنه این خاصیت را دارد که روحیه مهرورزی، همدلی و مواسات را در انسان زنده می کند و قرض الحسنه در حقیقت ترجمان شخصیت متعادل انسان و راه تقرب و نزدیک شدن به خداوند بزرگ است. (1)

نتیجه گیری

وجود توانایی ها و قابلیت های تأثیر گذار و سازنده در قرض الحسنه، این فرهنگ دینی را، فرهنگی فعال، زاینده و در پرتو آن ساخته است و این امکان را به مجریان و عموم علاقه مندان می دهد تا به صورت عملی، فراگیر و عمیق در گسترش و ترویج آن بکوشند و جامعه را به سوی شناخت اجرای دقیق آن فرا خوانند.

ص: 68

1- شرایط احیای فرهنگ و قرض الحسنه، ص 19.

1. ابراهیمی، محمد حسین، پول، بانک، صرافی، انتشارات.

2. ابراهیمی، محمد حسین، قرص الحسنه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سوم، 1378 ش، قم

3. ابن فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیره المتعظین، نشر: انتشارات رضی، چاپ اول، قم. و ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، چاپ اول، سال 1366 ش، تهران.

4. اخوان حکیمی - احمد آرام، الحیاه با ترجمه احمد آرام، نشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال 1380 ش، تهران.

5. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، محقق / مصحح: صفوان عدنان داودی، ناشر: دار العلم - الدار الشامیة، چاپ اول، 1412 ه ق، لبنان - سوریه.

6. اصفهانی، مجلسی اول، محمد تقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محقق / مصحح: سید حسین موسوی کرمانی - علی پناه اشتیاردی - سید فضل الله طباطبائی، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، 1406 ه ق، قم.

7. اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ناشر: مؤسسه الطبع والنشر، چاپ اول، 1410 ه ق، بیروت - لبنان.

8. اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محقق / مصحح: سید هاشم رسولی، ناشر: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، 1404 ه ق، تهران.
9. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ناشر: انتشارات اسلامیة، تهران.
10. آیتی، ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، انتشارات.
11. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، محقق / مصحح: محمد تقی ایروانی - سید عبد الرزاق مقرر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، 1405 ه ق، قم.
12. بروجردی، آقا حسین طباطبایی، جامع احادیث الشیعه، ناشر: انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول، 1429 ه ق، تهران.
13. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله، نشر: دنیای دانش، چاپ چهارم، سال 1386 ش، تهران.
14. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، نشر: انتشارات هجرت، چاپ اول، بهار 1386 ش، قم.
15. حجاری، سید مهدی حجازی، سید علی رضا و عیدی خسروشاهی، محمد، در الأخبار با ترجمه، نشر: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، سال 1419 ق، چاپ اول.
16. دستغیب، سید عبدالحسین، گناهان کبیره، نشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوازدهم، تابستان 1378 ش، قم.
17. دشتی، محمد، نهج البلاغه، ناشر: مشهور، اول، 1379 ش، قم.

18. شعیری، تاج الدین، جامع الأخبار، انتشارات رضی، چاپ اول، سال 1405 ق، قم

19. شهید ثانی، زین الدین بن علی، فقه استدلالی ترجمه تحریر الروضه فی شرح اللمعه، امینی، علی رضا و دادمرزی مهدی، انتشارات : کتاب طه، چاپ دوازدهم، زمستان 1386 ش، قم.

20. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، مترجم: محدث بندریگی، ابراهیم، ناشر: انتشارات اخلاق، چاپ سوم، 1379 ش، قم

21. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ناشر: دار الرضی، چاپ اول، 1406 ق، قم.

22. شیخ صدوق، خصال، ترجمه: محمد باقر کمره ای، ناشر: انتشارات کتابچی، چاپ اول، 1377 ش، تهران.

23. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، 1388 ه. ق. قم.

24. شیخ صدوق، الخصال، ناشر: جامعه مدرسین، چاپ اول، 1362 ش، قم

25. شیخ صدوق، علل الشرائع، ترجمه: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، نشر: انتشارات مؤمنین، چاپ اول، 1380 ش، قم.

26. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، مترجم: غفاری، علی اکبر، ناشر: نشر صدوق، چاپ اول، 1367 ش، تهران.

27. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ناشر: جامعه مدرسین، چاپ دوم، 1404 ق، قم.

28. طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، 1418 ه ق، قم.
29. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام، ناشر: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، 1407 ه ق، تهران.
30. عاملی، حر، محمد بن حسن، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، 30 جلدی وزیری، محقق / مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، 1409 ه ق، قم.
31. عطاردی، عزیز الله، مشکاة الانوار - ترجمه عطاردی، نشر عطارد، چاپ اول، 1374 شمسی، تهران.
32. فصلنامه وام، ش 1، پاییز 75، مقاله بررسی حکم فقهی کارمزد»
33. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ناشر: دار الکتب الإسلامية، چاپ ششم، 1412 ه ق، تهران.
34. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، دارالاسود للطباعة والنشر، 1414 ه ق.
35. کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی، الوافی، محقق / مصحح: ضیاء الدین حسینی اصفهانی، ناشر: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول، 1406 ه ق، اصفهان.
36. لنکرانی، محمد فاضل موحدی، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، محقق / مصحح: مرکز فقه ائمه اطهار عليهم السلام، ناشر: مرکز فقه ائمه اطهار عليهم السلام، چاپ اول، 1425 ه ق، قم.
37. محدث عاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ناشر: آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، 1409 ه ق، قم.

38. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، انتشارات: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و یکم، 1382 ش، تهران.
39. منسوب به امام رضا، علی بن موسی علیهما السلام، الفقه - فقه الرضا، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، 1406 ه ق، مشهد.
40. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ناشر: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول، قم.
41. نجف آبادی، حسین علی، معارف و احکام نوجوانان، محقق / مصحح: گردآورنده: ناصر مکاریان، ناشر: نشر سرایی، چاپ اول، 1423 ه ق، قم.
42. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محقق / مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی، ناشر: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت - لبنان.
43. نظری، مرتضی، شرایط احیای فرهنگ و قرص الحسنه، نشر اسپید، چاپ اول، زمستان، 1379 ش. قم.
44. نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، 18 جلدی، محقق / مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، 1408 ه ق، بیروت - لبنان.
45. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر) نشر: مکتبه فقیه، چاپ اول، قم.

آثار دیگر مؤلف که به چاپ رسیده است:

- 1: رازهای نهفته در شطرنج
- 2: خورشید مهربانی
- 3: تحقیق و پژوهش در کلام مقام معظم رهبری دام ظلّه
- 4: فیض ماندگار؛ شرح زندگانی و شاگردان و اساتید آیت الله فیاض قدس سره
- 5: شمع سوزان خرابه شام. (سید مجید نبوی، مهدی آقابابایی) 6: ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ (سه سخنرانی از مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی قدس سره)
- 7: عبد رحمان، زندگی نامه و خاطراتی از سردار شهید عبدالرحمان کرمی
- 8: تربیت فرزند از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام
- 9: نور هفتم (میلاد مبارک امام هفتم علیه السلام در ماه ذی الحجّه)
- 10: آسمانی های خاکی، بر اساس زندگی برادران شهید عبدالرحمان و محمدرضا کرمی هرستانی
- 11: آسمانی های خاکی، بر اساس زندگی شهید مصطفی نصرافهانی
- 12: تحریف تاریخی تحلیلی پیرامون ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام
- 13: سخنان ناب بزرگان درباره تحقیق، پژوهش، نگارش و قلم
- 14: عمل الصالح در بیان ایمان و تقوی (از آثار آیت الله طیب قدس).
- 15: دانستی های علمی پیرامون قاعدگی، همجنس گرایی، همجنس بازی و استمناء
- 16: کتابشناسی زیارت عاشورا
- 17: تحریفات و تصحیفات پیرامون زیارت عاشورا.
- 18: رازهای نهان در موسیقی (جوان و موسیقی).
- 19: کتابشناسی حضرت رقیه علیها السلام
- 20: زیارت جوادیه (یا زیارت چهارم امام رضا علیه السلام).

21 : انواع عزاداری در سیره اهل بیت علیهم السلام در روایات (حدود 60 نوع عزاداری).

22 : روزه داری و کرونا ویروس .

23. حضرت رباب علیها السلام الگوی صبر و وفا

24، جایگاه قرض الحسنه در اندیشه اسلامی و راه کارهای احیاء آن در جامعه (کتاب حاضر)

25. امیر المومنین علیه السلام در کلام حضرت سیدالشهدا علیه السلام

ص: 74

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

